

فراخوان مشترک 65 نفر از فعالین سیاسی کمونیست و کارگری برای تشکیل حزب

صفحه 2

اطلاعیه در باره نشست تدارک حزب جدید کمونیستی در ایران

صفحه 5

هیئت هماهنگ کننده

نامه هایی از داخل!

صفحه 5

در نمایش مسخره "انتخاباتی" این نظام جنایتکار شرکت نکنید!

صفحه 6

سلام زیجی

علیه جنایت دولت و شواری عالی کار متحد شویم!

صفحه 8

سلام زیجی

فراخوان سلام زیجی برای تشکیل حزب جدید کمونیستی!

صفحه 19

پوپولیسم و شفافیت! در حاشیه مطلب سیاوش دانشور (در باره تبلیغات ضد چپ،

صفحه 7

رحمت فاتحی

جوابی کوتاه به منتقدین و مخالفان
تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر

صفحه 13

رضا دانش

مصاحبه نسرین محمودی آذر با
سازمانده کمونیست در مورد 8 مارس

صفحه 14

یادداشت سردبیر به مناسبت انتشار اولین شماره نشریه سوسیالیسم امروز



رضا دانش

در اوائل اسفند ماه 1395 جمعی از فعالین سیاسی کمونیست از تصمیم خود مبنی بر ایجاد حزب جدید کمونیستی در ایران خبر دادند. در همین راستا به منظور بیان اهداف و تفاوت‌های خود با احزاب موسوم به کمونیست به مقوله حزبیت سیاسی و نحوه کار و فعالیت کمونیستی و امر سازماندهی و رهبری تشکیلات به صورت جسته و گریخته در قالب سمینارهای پالتاکی و مقالات و جوابیه‌ها در فضای اینترنتی ظاهر شدند. طرح ایده تشکیل حزب مارکسیستی جدید مطابق انتظارات به مذاق تعدادی محدودنگر، فرقه و جریان ورشکسته خوش نیامد و با برخوردهای گاه هیستریکی روبرو شد، جمع زیادی در داخل و خارج کشور از این امر استقبال کردند و همراه شدند و در مقابل عده‌ای دیگر با کامنت نویسی فیس بوکی، تحقیر و دشنام، توسل به تبلیغات منفی، شایعه سازی، و گاه تماس تلفنی با

صفحه 4

فراخوان مشترک 65 نفر از فعالین سیاسی کمونیست و کارگری برای تشکیل حزب کمونیستی و انقلابی در ایران

جمهوری اسلامی به عنوان رژیم که با جنایات بیشمار و سرکوب خونین بر بستر ناآمدگی انقلابیون و جنبش سوسیالیستی، کارگری و نبود حزب کمونیستی طبقه کارگر شکل گرفت، توانست با توهم پراکنی "اتحاد همه باهم" و با شعار مرگ بر "شیطان بزرگ" و ...، گرد آوردن نیروهای ارتجاعی ملی، اسلامی و بخشهایی از گروههای چپ و فرقه های کمونیسم خلقی و خرده بورژوازی به کمپ خود تحت لوای مبارزه با امپریالیسم آن انقلاب را با شکست روبرو و با کمک و همراهی کشورهای غربی زمام قدرت را به دست بگیرند.

حکومت سرمایه داری اسلامی از سال 1357 تا کنون با سرکوب بی وقفه و با شلاق و زندان و سنگسار و اعدام و با تحمیل مرگ تدریجی به میلیونها خانواده کارگری، با اسید پاشی، با ترور مخالفین سیاسی در داخل و خارج کشور، با کشتارهای دسته جمعی در دهه شصت و با ارتکاب بزرگترین و فجیع ترین جنایت ضد بشری در تاریخ ایران و جهان، و در پی خلا آلترناتیو انقلابی، و نبود حزب و تشکل در میان طبقه کارگر و توده های آزادیخواه که متکی به آرمان و سیاستهای سوسیالیستی و رزمنده باشد، توانسته عمر ننگین خود را ادامه دهد.

این چنین رژیمی نمی توانست تا امروز در قدرت باقی بماند، اگر مبارزه پیگیر و ملیتانت سازماندهی میشد و حزبی کمونیستی، جدی، توده ای و انقلابی در جامعه و در عرصه سیاست ایران وجود میداشت، در توضیح این تاریخ اشاره صرف به واقعیت سرکوب و استبداد این رژیم ناکافی و تنها بخشی از

حقایق موجود خواهد بود، در کنار همراهی نیروهای مذهبی و ملی با رژیم اسلامی در آن دوره، اپوزیسیون چپ و کمونیست نیز در سطوح مختلف کم کاری کرده و یا مرتکب اشتباه شده و بجز در موارد محدود اکثر نیروها نقش پیشرو کمونیستی، کارگری و انقلابی خود را ایفا نکردند.

ما به مثابه طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، جوانان انقلابی و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی، مسئول و موظف هستیم نظام سرمایه داری حاکم و قوانین ضد بشری آن را که بوی تعفن مذهبی و نژاد پرستی دارد به زباله دان تاریخ بسپاریم و اتحاد جامعه را به یک جامعه آزاد و برابر، مرفه و خوشبخت نائل گردانیم. این امر خطیر نیازمند پایان دادن به سیاستها و سنت های مبارزاتی رایج و ناظر بر اپوزیسیون چپ، عبور از سیاست انتظار و تسریع در روند سرنگونی انقلابی رژیم است. جنبش ما نیازمند نقد پیگیر سیاستهای پوپولیستی چپ، و فراخوان جامعه به اتحاد و تشکل، توسل به قهر انقلابی و بازگشت به کمونیسم انقلابی مارکس، و سازماندهی پراتیک انقلابی و کارگری است. به میدان آمدن حزب سوسیالیستی طبقه کارگر که در جدال طبقاتی، دخیل بوده و بر تقویت و گسترش مبارزات متشکل کارگران و زنان و جوانان در ایران و منطقه تمرکز داشته باشد، نیاز واقعی جنبش ماست.

پایان دادن به عمر ننگین چنین رژیمی و طبقه حاکمه با "حزب تبلیغ"، "حزب حقوق بشری"، "حزب معلم"، "حزب زنده باد مردم"، "حزب انقلاب انسانی"، حزب دنباله رو و پوپولیست، و با احزاب صرفا خارج کشوری، و با امید بستن به کشمکش درونی رژیم و با پرچم ملی و ناسیونالیستی ممکن نخواهد شد. حزب ما باید حزبی باشد که علیه این سیاستها خود را تعریف می کند و تسلیم وضع موجود نباشد و برای تغییر

وضع موجود و کسب قدرت سیاسی، ملیتانت و ماکسیمالیست عمل کند. ما برای پر کردن این خلا واقعی فراخوان ایجاد یک حزب سیاسی و سوسیالیستی و انقلابی را به همه کارگران و آزادیخواهان اعلام می کنیم. ما معتقد هستیم که این رژیم را باید با قهر انقلابی به زیر کشید، پاسخ دادن به این ضرورت تاریخی مستلزم تشکیل چنین حزب سیاسی، سوسیالیستی، کارگری و ملیتانت است که ما در صدد ایجاد آن هستیم.

جامعه ایران، طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی به حزب سیاسی رادیکال و انقلابی، به "حزب رهبر و سازمانده" و به حزب دخیل در مبارزه سیاسی، طبقاتی، به حزب آماده برای دست بردن به ابزارهای قدرت و تاکتیکهای مبارزاتی گوناگون از جمله اعتصاب و اعتراض توده ای و آکسیون و سازماندهی میلیس توده ای و ... نیاز دارد. به حزب و رهبرانی که در دسترس و در ارتباط تنگاتنگ با جامعه هستند، به حزبی کمونیستی، روشن و ملیتانت و فعال در بطن مبارزات کارگری و حاضر در جنبشهای اعتراضی جامعه که به جای تئوری بافیهای وارونه و "تحلیل" و "آه و ناله" و ارجاع انقلاب به پیچ بعدی و انشالا "گرچه شیر خواهد شد"، عملا برای پایان دادن به این وضعیت نابسامان و آشفته در میدان نبرد حاضر باشد.

این حزب، حزبی خواهد بود که بدون تردید به منظور کسب پیروزی و دفاع از دستاوردهای مبارزاتی و سیاسی و دفاع از امنیت جامعه و سرنگونی کلیت رژیم آماده میشود و برای کوتاه کردن دست همه گانگسترهای مسلح و ضد مردمی باقی مانده، چه در پروسه سرنگونی رژیم و چه در صورت احتمال وقوع سناریوی سیاه، جامعه و

فراخوان مشترک 65 نفر از.....

حزب را برای مقابله با این مخاطرات و دفاع از مدنیت جامعه آماده میکند و جوانان و مردم آزادیخواه را در این راستا بطور سازمانیافته به میدان می آورد. در روند مبارزه برای سرنگونی رژیم و مقابله با نیروهای سناریو سیاهی سازماندهی مقاومت مسلحانه حق مشروع و ضروری جنبش و حزب طبقه کارگر است.

این حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار نظام سیاسی متکی به شوراهای کارگری - توده ای و سوسیالیستی و لغو مالکیت خصوصی و بردگی مزدی در ایران مبارزه میکند. این حزب، حزب طبقه کارگر و رهبران سوسیالیست آن طبقه و حزب رهائی زن از کلیه نابرابریها و نابودی آپارتاید جنسی است. حزب نسل جوان و آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی آنان، و حزب پایان دادن به رفع ستم ملی و هر شکلی از اعمال ستم و نابرابری بر جامعه است.

حزبی که ایجاد میشود از نظر سازمانی و مناسبات درونی با چپ موجود تماما متفاوت خواهد بود. ضمن اینکه بر مصوبات و تصمیمات جمعی و ارگانهای منتخب متکی و حول آن متحد است و باید یک حزب کاملا منضبط و مستحکم و جدی باشد، اما همزمان باید در کلیه سطوح حزب آزادی بی قید و شرط بیان و نقد را تضمین و نهادینه کند. ایجاد فشار و فضای سرکوب به هر شکلی علیه منتقدین و اقلیت در حزب جرم محسوب میگردد.

ما امضا کنندگان زیر، مبارزین راه آزادی و برابری، کارگران، زنان و مردان و جوانان رزمنده و سوسیالیست و همه کمونیستها، گروهها و نیروهای

آزادیخواه و سرنگونی طلب را به همراهی و حمایت از این حرکت فرا می خوانیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

امضا کنندگان:

1- ابراهیم الف (اصغر نیا)

2- ابراهیم باتمانی

3- احمد سلطانی

4- ادیب پوردیبا

5- آذر کیمیا

6- اردشیر اصفهانی

7- آرینا شیردل

8- اقبال کاکاون

9- امید نسیمی

10- بابک باجلانی

11- بهروز آزادپور

12- پروین حسن پژوه

13- جلال محمدی

14- حسن بقائیان

15- دانیال عبادی

16- رحمت فاتحی

17- رُزا کریمی

18- رُزا ناصری

19- رزگار هاتقیان

20- رضا دانش

21- رضا ساعی

22- رضا شتابی کیا

23- روزبه همه وندی

24- ریوار تبریزی

25- رئوف افسائی

26- ژوبین مردوخی

27- ژیا سلیمانی

- 28- ژیان بهارلو
29- ساغر رهام زند
30- سلام زیجی
31- شاهین ابراهیمی
32- شاهین معماریان
33- صحرا صالحی
34- شیرین اعتماد
35- عباس خسروی
36- عزیز آجیکند(ناله کی)
37- عزیز عبدالله پور
38- فخره صادقی
39- فرشته بهاری
40- فرهاد امیری
41- کارو افشانی
42- کارو جفا دیده
43- کاوه شاهین پور
44- کیوان مهرآوه
45- لقمان مهری
46- مژگان آزاد منش
47- مهرداد مرادی
48- مهین لُرستانی
49- میلاد ابراهیمی
50- نازنین زندنیا
51- نسرين محمودی آذر
52- نیما ارژنگ
53- نینا نامی
54- هاوری شاهو
55- هشام سامی حمید
56- هلن نامی
57- هما کرامتی
58- ونوس محمدی
59- کیوان پیشبین
60- خالد هاشمی

یادداشت سردبیر به مناسبت انتشار اولین شماره نشریه سوسیالیسم امروز

عناصری از این جمع و... یاری جستند از عواطف و احساسات افراد، تلاش در جهت ایجاد شک و شبهه با راه اندازی کمپینهای جانبی در فضای مجازی سعی کردند در راه ایجاد حزب سوسیالیستی جدید در فضای سیاسی ایران سنگ اندازی کنند.

با توجه به مسائل فوق و اهمیت تدارک سیاسی کنفرانس موسس حزب، ما در جلسه حضوری 27 و 28 اسفند 95 تصمیم به انتشار نشریه سوسیالیسم امروز گرفتیم تا از آن برای بیان تفاوتها و تمایزات حزب مورد نظرمان و دادن تصویری دقیق تر و کامل تر از آنچه مد نظر است بهره بگیریم. نشریه سوسیالیسم امروز نشریه ای متعلق به جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و رهبران و فعالین کارگری این جنبش است، نشریه زنان و جوانان سکولار و تشنه رهایی و آزادی است، صدای آزادیخواهان و برابری طلبانی است که در نقد سیاستهای راست روانه، غیرکمونستی و پوپولیستی حاکم بر اپوزیسیون چپ حاشیه نشین در تحولات جاری جامعه به دنبال راهی برای سازماندهی مجدد نیروها و تجدید قوا برای آغازی دیگر هستند تا زمینه ساز یورش نهایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه و برقراری جمهوری سوسیالیستی و لغو بردگی مزدی باشند. پروسه تشکیل حزب نیازمند پاسخگویی به سوالات و ابهامات موجود و تضارب آرا و برخورد اندیشه ها است و ضرورت وجود چنین نشریه ای دقیقا از همین امر سرچشمه میگیرد. در همین راستا در شماره های بعدی نشریه تلاش خواهیم کرد تا در قالب مقالات و میزگرد

با رفقای دست اندرکار پروژه تشکیل حزب حول تفاوتهای خودمان با چپ موجود و نیروهای فعال در این عرصه قلم بزنیم. این نشریه با تصمیم هیئت هماهنگ کننده و موافقت سایر رفقای همراه در پروژه تا مقطع کنفرانس موسس منتشر خواهد شد، ادامه انتشار یا توقف آن همچون سایر موارد در اختیار کنفرانس و منتخبین آن است. مسئولیت ما در این دوره برجسته کردن تمایزات سیاسی، تفاوت بینش سازمانی و سبک کاری این جمع با سایر نیروهای چپ و کمونیست است، در این راه تمام نیروی خود را به کار خواهیم گرفت تا نقطه نظرات خود را بیش از پیش در معرض دید خوانندگان این نشریه قرار دهیم.

هم چنان که در فراخوان مشترک آمده است: "ما به مثابه طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، جوانان انقلابی و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی، مسئول و موظف هستیم نظام سرمایه داری حاکم و قوانین ضد بشری آن را که بوی تعفن مذهبی و نژاد پرستی دارد به زباله دان تاریخ بسپاریم و آحاد جامعه را به یک جامعه آزاد و برابر، مرفه و خوشبخت نائل گردانیم. این امر خطیر نیازمند پایان دادن به سیاستها و سنت های مبارزاتی رایج و ناظر بر اپوزیسیون چپ، عبور از سیاست انتظار و تسریع در روند سرنگونی انقلابی رژیم است. جنبش ما نیازمند نقد پیگیر سیاستهای پوپولیستی چپ، و فراخوان جامعه به اتحاد و تشکل، توسل به قهر انقلابی و بازگشت به کمونیسم انقلابی مارکس، و سازماندهی پراتیک انقلابی و کارگری

است. به میدان آمدن حزب سوسیالیستی طبقه کارگر که در جدال طبقاتی، دخیل بوده و بر تقویت و گسترش مبارزات متشکل کارگران و زنان و جوانان در ایران و منطقه تمرکز داشته باشد، نیاز واقعی جنبش ماست."

نشریه سوسیالیسم امروز به سهم خود تلاش میکند زمینه بحث و جدل سیاسی متمدانه و سرشار از احترام متقابل را به دور از ادبیات ناسالم و پرخاشگرانه فراهم کند تا از زوایای مختلف پروژه ایجاد حزب را از دیگاه موافقان و مخالفان مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری بیش از هر زمان دیگری به حزب رزمنده و رادیکال سوسیالیستی خود نیاز دارد زیرا همانگونه که در فراخوان مشترک آمده است: "پایان دادن به عمر ننگین چنین رژیم و طبقه حاکمه با "حزب تبلیغ"، "حزب حقوق بشری"، "حزب معلم"، "حزب زنده باد مردم"، "حزب انقلاب انسانی"، حزب دنباله رو و پوپولیست، و با احزاب صرفا خارج کشوری، و یا امید بستن به کشمکش درونی رژیم و با پرچم ملی و ناسیونالیستی ممکن نخواهد شد. حزب ما باید حزبی باشد که علیه این سیاستها خود را تعریف می کند و تسلیم وضع موجود نباشد و برای تغییر وضع موجود و کسب قدرت سیاسی، میلیتانت و ماکسیمالیست عمل کند. ما برای پر کردن این خلا واقعی فراخوان ایجاد یک حزب سیاسی و سوسیالیستی و انقلابی را به همه کارگران و آزادیخواهان اعلام می کنیم. ما معتقد هستیم که این رژیم را باید با قهر انقلابی به زیر کشید، پاسخ دادن به این ضرورت تاریخی

اطلاعیه در باره نشست تدارک
حزب جدید کمونیستی در ایران

نشست حضوری با شرکت جمعی از فعالین در تاریخ 27 و 28 اسفند ماه 1395 برابر با 17 و 18 مارس 2017 به منظور بحث و تبادل نظر در رابطه با تدارک عملی، سیاسی پروژه ایجاد حزب کمونیستی جدید، برگزار گردید. نشست با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز گردید. سپس نشست دستورهای پیشنهادی را به اتفاق آرا تصویب کرد.

این نشست حول موضوعات زیر به بحث و تبادل نظر پرداخت:

ضرورت تشکیل حزب، سیاستها، برنامه، اصول سازمانی، آرم و اسم و....

حزب در داخل، امنیت، نیروی مسلح، مالی، تبلیغات، دبیرخانه، فرخوان مشترک و ایجاد کمیسیونهای مورد نیاز، تهیه و تدارک ملزومات سیاسی، سازمانی و غیره

در این نشست در مورد تعیین زمان و مکان برگزاری کنفرانس موسس حزب و پاره ای اقدامات مهم دیگر تصمیمات لازم گرفته شد.

بنا به تصمیم نشست و به اتفاق آرا رفقا ابراهیم باتمانی، رحمت فاتحی، رضا دانش، رضا ساعی، سلام زیجی، نسرین محمودی آذر به عنوان اعضای هیئت هماهنگ کننده برای ایجاد هماهنگی و تدارک کنفرانس موسس حزب انتخاب شدند. هیئت هماهنگ کننده

شماره های تماس

00447740076631

0046762349683

Iransocialist2017@gmail.com

دو نامه خواندنی از رفیق کمونیستی در داخل کشور همانگونه که خود وی نوشته و ارسال کرده است، بدون ادیت و ویرایش تقدیم خوانندگان نشریه سوسیالیسم امروز میشود.

نامه اول

ملاحظات بر بن بستهای جنبش! نامه هایی از داخل!

نظر من پایه های اصلی استحکام جنبش ماست.

من فکر می کنم این سه حزب مدعی کمونیسم کارگری هر یک از اینها نه یک بار بلکه بارهای بار بد جوری از امتحان مردود شده اند. بر این بناهای ویران و نیمه ویران این احزاب بعید است بتوان به نتیجه جدیدی رسید. آنهایی که بر سکوه های این احزاب نشسته اند بد جوری خودشان را در آنجا جوش و پیچ و مهره کرده اند. من به کار و همکاری با این احزاب خوش بین نیستم. همان طور هم که گفته ام کنگره ها، پلنوم ها، نشستها، ادعا ها و ادغام ها و... بد جوری به گل نشسته است. اگر فردا روز هم فلانی و دیگری هم در ح ک ک ادغام شوند حالا تحت هر عنوانی من فکر نمی کنم از این امام زاده معجزه ای بشود. در شرایط الان تشکیل و ایجاد

یک حزب کمونیستی کارگری مارکسی و حکمتی جدید ضرورت اصلی جنبش ماست. ماتریال و نیروهای اصلی چنین حزبی عمدتا و دردرجه اول می تواند از همه رفقای باشد که از اوضاع کنونی به تنگ آمده اند. بسیاری از رفقا و کمونیستهای ارزشمندی که همین الان جدا، تک و منفرد شده اند، رفقای در مبارزین کمونیست متشکل شده اند، رفقای ناراضی و به جان آمده ای که هم اکنون بطور شرمگینانه ای در صف احزاب موجود پلاکتیف و معلق و فرسوده و خسته ایستاده اند. من فکر می کنم بهترین راه برای احزاب موجود فعلی انحلال و پیوستن و همراهی و همکاری فوری به روند بالنده و تکاملی

من هدفم انجماد در گذشته نیست و یا یکسره پنبه گذشته را بزیم. اما یک نکته هستش که اگر قرار است هر گونه حرکت و برنامه و اقدام جدیدی صورت بگیرد این گذشته ها بایستی مورد نقد و جمع بندی دقیق قرار بگیرد. این لازم و ضروری است، من فکر می کنم شتر سواری دولا دولا نمی شود. باید مصالحه کاری و محافظه کاری را به کناری گذاشت. همان طور که قبلا هم گفتم از نظر من صراحت، صداقت، رو راستی و با فروتنی و آغوش باز اشتباهات را پذیرفتن این خیلی مهم است. اگر رفیق یا رفقای از اوضاع کنونی به تنگ آمده و به دنبال راه جدیدی هستند باید با همه وقایع گذشته و حال و آینده صادقانه برخورد کنند. نمی شود هم خر را داشت و هم خرما را! یکی از مشکلات بزرگی که الان در صفوف ما پیش آمده جو عدم اعتماد، لجاجتها و کینه جوئی و خود خواهی ها و ... آری یکی از بدترین مشکلات ما بی اعتمادی و لجاجتهاست. از نظر من اینها را که گفتم می تواند زمینه ساز و برگشت فرصت های از دست رفته و برگشت اعتمادها باشد! محافظه کاری، عدم بیان حقایق و ماله کشی روابطی که به چرک و عفونت طبقاتی آغشته اند تحت عناوین پوچ و بی ارزشی به نام حفظ منفعت جنبش و توهامات حقیرانه ای از این دست و... آفت و بلای جان روابط اصیل کمونیستی و رفیقانه است. دروغجویی و پیمانیدن واقعیتها کار کمونیستها نیست. علنیت، صراحت و صداقت و پافشاری بر روی اصول از



در نمایش مسخره "انتخاباتی" این نظام جنایتکار شرکت نکنید!

هر شکلی از انتخابات در جامعه و هر تعریفی از شهروندی است. وقتی خامنه ای شید از "مخالفان" میخواید رای بدهند اما حق ندارند کاندید شوند و وارد دستگاه‌های تصمیم‌گیری شوند! برای این جنایتکاران تلاش برای تامین یک صف بی‌اراده و سیاهی‌لشکری از مردم بی‌اراده و مرتجع برای اجرای چند ساعته یک نمایش در روز و ساعت تعیین شده، که به این بهانه "پیروزی نظام" و حاکمیت فاسد و جنایتکارانه شان را اعلام کنند، کل هدف است.

اما جمهوری اسلامی تا حال با بازی دادن بخشی از جامعه و اپوزیسیون درون و بیرون خود موفق شده درچنین پوششهایی از بحرانهایی که همواره دامنگیرش بوده با هیاهو و جنجال تبلیغاتی کل نظام را از بحران و از زیر تعرض و تنفر اجتماعی نجات دهد. با وجود تمام اختلافات و بالا گرفتن واقعی جنگ درون جناحهای رژیم، بدون استثنا هدف کلی کلیه جناحهای آن حفظ پیکره کثیف و جنایتکارانه جمهوری اسلامی و کمک به تداوم توحش و افسار گسیختگی سرمایه داری علیه مردم آزادیخواه و طبقه کارگر ایران بوده و هست.

ویژگی این نمایش در این دوره و بعد از "برجام" و بعد از رفسنجانی این است که قرار است از این طریق هم در بعد جهانی و منطقه ای و هم در بعد داخلی ملزومات تداوم عمر رژیمشان را فراهم کنند و از مخاطرات پیش‌رو بکاهند. به ویژه در بعد داخل کشوری، در صورتی که با یک مبارزه و مقاومت گسترده مواجه نشوند، سیاست و هدف محوری آنها بر این دو رکن متکی خواهد بود: اول، بیش از پیش پا روی گرده طبقه کارگر میگذارند و زمینه چینی برای آماده سازی نیروی کار

یک کلاهدرداری بزرگ سیاسی است که تکرار آن بعد از ۳۸ سال حاصل بی حاصل بودن چنین روشی و یک سیاست جنایتکارانه و مستقیماً به نفع جمهوری اسلامی است.

شرکت در چنین نمایش انتخاباتی به هر بهانه ای در جهت اضافه کردن عمر ننگین این جنایتکاران و سرکوبگران خود میباشد، به طریق اولی طبقه کارگر ایران نباید به هیچ وجه در بازی دشمنان و سرکوبگران خود شرکت کند، برعکس این پروسه را میتوان علیه خود رژیم و همه جناحهای آن تبدیل کرد، نباید به هیچ وجه جانب جناحی از این جنایتکاران را گرفت، میتوان صندوقهای انتخاباتیشان را برسرشان کوبید، می توان با راه اندازی اعتراض و اعتصابات میدان واقعی مبارزه دیگری را علیه این جانیان تاریخی گشود. سناریویی که اسم آن را انتخابات گذاشته اند هدفی جز تامین بقا و کسب "مشروعیت مجدد" برای خود جمهوری اسلامی ندارد.

روشن است که این نمایش مطلقاً به مردم ربط ندارد. هیچگاه ربط نداشته است، توهین آشکار به شعور تک تک شهروندان است. همه می دانند نه فقط حق کاندیدا شدن از هر کمونیست و رهبر کارگری و فعال جنبش زن و فرد سکولاری سلب شده است، بلکه حتی همان گونه که همه می بینند پروسه کاندید شدن جانی ترین افراد خودشان و عبور از فیلتر شورای نگهبان تا آخرین روز شمارش "آرا" نه فقط به معنای دقیق کلمه فرمایشی و مضحک است که مستقیماً توهین و دهن کجی به

فضای نمایش مضحک "انتخاباتی" رئیس جمهوری" و "شورای شهر و روستاها"، یک بار دیگر به جامعه ایران تحمیل شده است، این بازی در حالی دارد اتفاق می افتد که همگان بر این حقیقت ساده واقف هستند که پدیده ای به اسم انتخابات در جمهوری اسلامی بسیار پوچ، مضحک و بی ربط به حقوق شهروندان است. در شرایطی که زندگی، معیشت، آزادیهای سیاسی، ثروت و کرامت کل جامعه از جانب این رژیم به گرو گرفته شده است، هیاهو حول چنین مضحکه ای جز توهین به شعور جامعه و دور زدن مطالبات بر حق سیاسی-اقتصادی- فرهنگی، که مطالبات بیش از ۸۰ درصد جامعه میباشد، نیست.

سیاست کارگری، کمونیستی و آزادیخواهانه در مقابل چنین مضحکه هایی، سوت و کور کردن نمایش انتخاباتی رژیم و مراکز "انتخابات"، شرکت نکردن گسترده مردم در آن، با شروع اعتصابات و اعتراضات خیابانی و طرح مطالبات متحد و گسترده، تبدیل کل این پروسه به روند مبارزاتی بر علیه موجودیت رژیم است. با این سیاست و رویکرد میتوان گام مهمی در عقب نشینی کردن به این حکومت جنایتکار در همه عرصه های داخلی و منطقه ای جلو رفت و در نهایت به نفع کارگران و مردم آزادیخواه ایران و منطقه تمام شود.

شراکت در "انتخابات" و ربط دادن کشمکشهای ناشی از آن به امر و منافع مردم، به دموکراسی، به حق رای مردم، به اصلاحات، به انتخاب بین بد و بدتر، به مبارزه مدنی، و این که گویا از این طریق می توان کلیت رژیم یا جناحی از آن را میتوان "تضعیف" نمود، نه فقط



پوپولیسم و شفافیت! در حاشیه مطلب سیاوش دانشور (در باره تبلیغات ضد چپ، سوسیالیسم...)

نوشته ای تحت عنوان "در باره تبلیغات ضد چپ، سوسیالیسم تنها راه رهائی مردم ایران است" از طرف سیاوش دانشور در نشریه کمونیست شماره ۳۷۸ از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست منتشر شده است. بعد از چند بار خواندن آن، یقین حاصل شد که هدف از این نوشته چه می باشد. زیرا معمولا انسانهای پوپولیست از هر دری سخنی می گویند و در آخر بی سخن بیرون میروند. متأسفانه باید بگویم که پوپولیسم ضمن این که گرایشی متکی به ریاکاریست (ممکن است فرد پوپولیست آگاهانه ریاکار نباشد) در عین حال گنده دماغ است و جسارت بیان شفاف آنچه را که مد نظرش است، ندارد. برای این که بفهمید منظور و هدف از نوشتن مطلب و یا سخنرانی یک انسان پوپولیست چیست، باید با تلسکوپ و نه با ذره بین در لابلای جملات جستجو کنید تا متوجه شوید که هدف از این نوشته چه می باشد، تازه باید با زمینه بحث هم کاملا آشنایی داشته باشید در غیر این صورت محال است آن را بفهمید. بخصوص برای کسی که آشنایی با موضوع ندارد امکان ندارد متوجه شود موضوع چیست. متأسفانه این نوشته سیاوش هم مصداق همین واقعیت است. انسان واقعا شفافیت، در بیان موضوعی که یک فرد پوپولیست در باره اش مینویسد به دلش میماند.

در این نوشته از همه چی سخن رفته است از، انقلاب ۵۷ گرفته، تا جمهوری اسلامی، سلطنت طلبها، اصلاح طلبها، ترامپ، انتخابات ج.ا، چپهای شکست خورده، چپهای در میدان، اپوزیسیون تسلیم طلب، بی.بی.سی و میدیا، از کارگران انگلیس و امریکا، از اوضاع سیاسی تا اسید پاشی و اعدام، طبقه

کارگر، کمونیستها و دهها مورد دیگر سخن رفته که حقیقتا ربطی به مسئله ای که سیاوش میخواهد در مورد آن توضیح دهد، ندارد. شخصا فکر میکنم این بی احترامی به شعور انسانها و خوانندگان است. اشتباه نباید کرد، این مطلب مربوط به تحلیل اوضاع سیاسی و راه حل حزب حکمتیست برای مقابله با مصائب و مشکلات و رهائی از وضع موجود نیست. همچنان که در جملات بالا اشاره کردم باید کنکاش کرد تا بدانید هدف سیاوش از تمام این آسمان ریسمان کردنها و از هر دری سخن گفتن چیست؟

در این مطلب از اصلاح طلبان حکومتی و انتخابات جمهوری اسلام سخن رفته و مینویسند "اصلاح طلبی حکومتی از آنجا که هدفش ایجاد مستمر یک ضربه گیر و یک حائل برای نظام است، هیچ پرنسیپی ندارد" یا در باره انتخابات می نویسند "واقعیت اینست که روحانی تاکنون چهار سال دیگر برای حکومت وقت خریده است اما کلید او هیچ قفل و گره این نظام را باز نکرده است" توضیحات بدهی وی در این رابطه من کمونیست را یاد انشاهای دوره مدرسه انداخت که موضوع انشا در آن دوره موضوعاتی بود، مانند فایده گاو و گوسفند را بنویسد. ما هم اندر فواید پوست، گوشت و شیر آن صفحه را سیاه می کردیم (از این هم بگذریم که فواید آن هیچ وقت شامل ما نمیشد) در غیر این صورت، باید گفت سیاوش عزیز مگر انسان چپ و کمونیستی را سراغ دارید که در این رابطه شک داشته باشد (البته شما هم خوب میدانید که حزب کمونیست کارگری در جریان جنبش سبز با موسوی کشتی نگرفت و

در یک جبهه شمشیر زدند و عرصه انتخابات برای این حزب همیشه بخشی از انقلاب انسانیشان بوده که فکر نکنم منظور شما این حزب باشد زیرا که متأسفانه حزب مطبوع شما هم تنها خط قرمز باقیمانده در سیاست حزب حکمتیست را که جنبش سبز بود، رد کرده و رهبری با مدیریت شما و رفقایتان از آن عبور کردند. به لحاظ سیاسی به ندرت میشود تفاوتی میان شما و حزب کمونیست کارگری پیدا کرد. شما به اهدافتان که ملحق کردن حزب حکمتیست به آنها باشد کاملا نزدیک شده اید) پس هدف دیگری پشت این توضیحات نهفته است که در پائین به آن اشاره خواهم کرد که ربط این مسئله به هدف شما چیست؟

در این شکی نیست چپی که شما در این مطلب به آن اشاره کردید، حزب کمونیست کارگری و بقیه احزاب چپ نیستند. چون هم چنان که اشاره شد شما با آنها رابطه نزدیکی دارید و در واقع از نقد همدیگر خودداری کرده و آتش بس کرده اید. اگر هم منظور شما، فضای مجازی باشد، متأسفانه این اعضا و کادرهای شما و حزب کمونیست کارگری هستند که فضای سالم بحث سیاسی را به شدت مسموم و بار دیگر "های و هوی" را در این فضا زنده کرده اید، متأسفانه این اعضای شما هستند که منتقدین را تحقیر و سرکوب می کنند و به هر که منتقد شما باشد، توهین و بی احترامی می کنند. شما "رهبران" هم آن بالا نشستید و نظاره گر این فضای آلوده و مسموم هستید و آنها را بعنوان اعضا و کادرهای مصمم مورد تشویق قرار میدهید. واقعا متأسفم.

پیام نوشته شما، چپهای

عکس العمل فوری و پاسخ جدی و متحد طبقه کارگر و رهبران آن دارد.



علیه جنایت دولت و شواری عالی کار متحد شویم!

جمهوری اسلامی از کانال "شواری عالی کار" ضد کارگری اش حداقل دستمزد کارگران را با "افزایش" ۱۴ درصدی از ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان سال جاری به ۸۱۲ هزار و ۱۶۴ تومان برای سال ۹۵ تعیین کرد. این تصمیم شامل دستمزد سیزده میلیون کارگری که تحت پوشش "قانون کار هستند میباشد، مزد بقیه کارگران مراکز کوچک، که بالغ بر میلیونها کارگر دیگر است، به مراتب برده وارتر است. کارفرما بدون هیچ محدودیتی از آن کارگران کار میکشد، اخراج میکند، مزدشان را نمی دهد و انواع سواستفاده ها و بی حرمتی ها علیه کارگران صورت میگیرد.

تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد سال نود و پنج، امروز نوزدهم اسفند نود و چهار، از زبان شواری عالی کار و به عنوان نتیجه "مذاکره سه جانبه" رسماً اعلام گردید. در حالی که چند ماه پیش دولت "اعتدال" از کانال وزیر کارشان اعلام کرده بودند که به حقوق کارگران هشتاد و پنج هزار تومان اضافه میگردد. همان وقت ما گفتیم شواری عالی کار ابزار ضد کارگری و دست ساختی است که وظیفه محوری آن تدارک ملزومات "قانونی" و فضا سازی برای اجرای بدون دردسر تصمیم از قبل آماده دولت سرمایه داران می باشد. گفتیم نباید تصمیمات آن را برسمیت شناخت، مستدل کردیم که ادعای حضور "نماینده کارگر" و مذاکره "سه جانبه" در این نمایش ادعای به شدت عوامفریبانه و به هدف ساکت کردن طبقه کارگر ایران و به هدف دور زدن و عدم پذیرش مطالبات و نمایندگان واقعی طبقه کارگر ایران است. همه کارگران و تشکله

در شرایطی که خط فقر نزدیک به سه و نیم میلیون تومان محاسبه شده بود، در شرایطی که به درست چندین نهاد و تشکل کارگری خواهان حداقل دستمزد سه و نیم میلیون تومان شده بودند، در شرایطی که موجی از اعتراضات کارگری برای افزایش حداقل دستمزد و گرفتن دستمزدهای معوقه و علیه بیکاری در اقصی نقاط ایران در جریان است، در شرایطی که آمار مرگ و میر کارگران، بیکاری، کودکان کار و خیابانی، کارتون خوابی ها و تن فروشی و اعتیاد ناشی از تحمیل فقر و سرکوب به اوج خود رسیده است، در شرایطی که با رفع تحریمهای اقتصادی به جای ایجاد بهبودی در زندگی اقتصادی کارگران فقر و سرکوب بیشتری نصیب کارگران شده است، در شرایطی که جمهوری اسلامی در همین دوره پر تحرک اعتراضات کارگری، برای ایجاد ارباب دهها کارگر را بازداشت و محاکمه و فعالین آن را به زندانها می فرستند، در شرایطی که جنایتکاران جمهوری اسلامی با راه انداختن هیاهو حول نمایش مسخره انتخاباتی شان توجه و فضای جامعه را از مطالبات و حقوق دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری به درجه ای منصرف کردند.

سرانجام با کمال تاسف و در نهایت خونسردی امروز تصمیم به غایت جنایتکارانه و ضد انسانی دیگری علیه سرنوشت دهها میلیون انسان از جانب شکم سیرها و دولت سرمایه داران و زالو صفتان گرفته شد. با این تصمیم ضد انسانی شوک بسیار بزرگ دیگری به طبقه کارگر ایران وارد گردید که نیاز به

شواری عالی کار و دولت اعتدال ضد کارگری امسال نیز با اعلام ۱۴/۵ درصد "افزایش حداقل دستمزد"، یعنی از ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان در سال ۹۵ به ۹۳۰ هزار تومان در ماه در سال ۹۶، مجدداً زندگی میلیونها کارگر و خانواده های کارگری را "قانوناً" به گرو گرفتند. سازماندهی مجدد یورش اقتصادی-سیاسی به طبقه کارگر، سازماندهی جنایت سازمانیافته و گسترده علیه کارگران و فرزندانشان، و دوباره محکوم کردن طبقه کارگر به "زندگی کردن" چهار برابر زیر خط فقر و گسترش دامنه مرگ و فلاکت به سازندگان جامعه است!

بر بستر عدم تشکل و اتحاد لازم در صفوف جنبش ما این جنایت هر سال تکرار میگردد، سال ۹۵ نیز همین یورش را سازمان دادند که به قیمت مرگ هزارها کارگر و فرزندان آنها تمام گردید. اعتراض سال گذشته ما به این تصمیم مشابه و جنایتکارانه به هیچ وجه کافی نبود، از اینرو دولت و سرمایه داران توانستند بدون دردسر و گستاخانه تر در روزهای آخر اسفند ۹۵ زندگی و معیشت سال ۹۶ دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری را به عمق فقر و نابودی سوق دهند.

باید با جدیت بیشتری با اقدام و فراخوان مشترک و با به تحرک در آمدن کل طبقه علیه این تصمیم جنایتکارانه به میدان آمد. متن زیر فراخوانی بود علیه همین جنایت، علیه طبقه کارگر ایران، در اینجا توجه همه فعالین و جنبش را به آن جلب می کنیم:

به تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد سال ۹۵ اعتراض کنید!

علیه جنایت دولت و شواری.....

و نهادهای غیر دولتی طبقه کارگر به این ترفند ضد کارگری دولت سرمایه داران اسلامی واقف بوده و هستند. جالب است که شورای عالی کار و وزیر دولت در پی این تصمیم جنایتکارانه شان میگویند "ما به این امر واقف هستیم و می‌دانیم که زندگی کارگری با حداقل دستمزدها زندگی سختی است!". در حالی که این اوباشان دولت "کلید" و "اعتدال" و "خدمتگذار رهبری" میدانند که حقوق یک تا دو ماهه خودشان، که وظیفه ای جز مفتخوری و ویران کردن زندگی و عواطف میلیونها انسان کارگر و ذربیدن قانونی حقوق و دسترنج آنها را ندارند، برابر است با دستمزد سالانه یک کارگر! عدالت واقعی و نفرت انگیز سرمایه داری و اسلامی همین است! وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت و "سربازان" ضد کارگر مدعی شده اند که "تمام تلاشمان بر این است که بتوانیم سطح زندگی سربازان جبهه اقتصاد مقاومتی را ارتقا دهیم"! بی شرمی هم حد و مرزی دارد جناب وزیر!

دولتی که میخواهد پروژه "توافق برجام" و جذب سرمایه داران جهانی را با آماده کردن دهها میلیون نیروی کار ارزان، ماهانه دویست سیصد دلار، به سر انجام برساند باید سفره بی رونق طبقه کارگر را بی رونق تر کند، اشک و درد و رنج چند برابر به منازل خانواده های کارگری در این ایام نوروزی هدیه دهد، باید برای یکسال دیگر سرنوشت بی سرنوشت میلیونها انسان شریف آن جامعه را چون برده در اختیار سرمایه داران داخل و خارج کشوری قرار دهند. باید جامعه کارگری را با مرگ و میر و گرسنگی و روانه شدن گسترده تر کودکان کار و کارتون خوابی مواجه کند، باید تا آخرین حلقه تحمیل گرسنگی و ریاضت اقتصادی

به کارگر جلو برود تا هر تحرک و اعتراض و اعتماد بنفسی را از آن سلب کند. باید به همگان عادی جلوه دهند که جنایت بزرگی که در حق طبقه کارگر صورت می گیرد یک پدیده "طبیعی" است، برای "اقتصاد مقاومتی" است، برای "نجات کشور" و "میهن" و نجات بحران سرمایه داریشان است! اما برای تحقق همه این هدفهای ارتجاعی و ضد کارگری این طبقه کارگر است که باید بیش از پیش هزینه کند و جان بکند!

بدون تحمیل چنین جنایتی به طبقه کارگر ایران هزینه بیت رهبری، هزینه دولت و میلیونها مزدور سرکوبگر و تروریست، هزینه سرکوب جامعه و خود کارگران، هزینه زندان و زندانبانان و چوبه های دار و همچنین هزینه سرسام آور شراکت در جنگ و تروریسم افسارگسخته و ویرانگر در چند کشور و غیره را چگونه میتوان تامین کرد؟ جمهوری اسلامی با سرکوب همه جانبه طبقه کارگر است که میتواند نفس راحت تری بکشد، تعرض و سرکوب طبقه کارگر پیش در آمد سرکوب و تعرض به کل جامعه است.

مردم شرافتمند، کارگران! به تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر ایران اعتراض کنید! این جنایت بزرگ و خفت آور را نباید بپذیریم!

رهبران کارگری، تشکلهای و نهادهای دلسوز طبقه کارگر، کمونیستهای صفوف طبقه کارگر ایران! شما را فرا میخوانم متحدانه به میدان بیاوید و علیه این تصمیم جنایتکارانه اعتراض کنید.

احزاب، نهادها، رسانه ها! به این جنایت بزرگ اعتراض کنید و صدای برحق

طبقه کارگر ایران را وسیعاً منعکس نماید.

کارگران تصمیم جنایتکارانه دولت و شورای عالی کار را نمی پذیرند!

سلام زیجی
کارگر کمونیست
s_zijji@yahoo.se

۱۹ اسفند ۹۴

۹ مارس ۲۰۱۶

فراخوان مشترک 65 نفر از.....

ادامه
دارد....

- 61- عمر بوکانی
- 62- کامران پایدار
- 63- لیلیا احمد
- 64- کیوان پیشتین
- 65- خالد هاشمی

نامه دوم

با سلام به رفیق عزیز سلام زیجی!

و اهمیت این مباحث را به تعدادی از این دوستان که اکنون در رهبری فرقه حکمتیست و حمید تقوایی نشسته اند یاد آوری نمودم، اما دریغ از یک جو شهامت و شفافیت و صراحت رفیقانه و کمونیستی و.. من این نامه را به پیوست برایتان ارسال میدارم. رفیق سلام عزیز، تا همینجا، تا همینجایش، به صراحتت به شجاعتت و به احساس مسئولیتت و.. درود می فرستم، حتی اگر شاید نتوانیم بر سر بسیاری مسایل به توافق برسیم!! من در برابر این شهامت و این صداقت کمونیستی که امروزه به حکم کیمیاست سر تعظیم فرود می آورم. بسیار مایل و مشتاقم پلاتفرم و سیاست و برنامه های شما و احتمالاً دیگر رفقا در همه ابعاد ریز و درشت مسئله مورد بحث یعنی تشکیل یک حزب رزمنده رهبر و سازمانده، یک حزب کمونیستی و کارگری واقعی را بشنوم.

با احترام، با ارادت

زنان و جوانان انقلابی در تشکیل حزب خود مشارکت کنید!

یادداشت سردبیر به.....

مستلزم تشکیل چنین حزب سیاسی، سوسیالیستی، کارگری و ملیتانت است که ما در صدد ایجاد آن هستیم."

نشریه سوسیالیسم امروز نیازمند همکاری و همیاری کسانی است که راهی دیگر و مسیری دیگر را با آنچه تاکنون تجربه شده است دنبال میکنند تا به اهدافی که برای خود ترسیم کرده است جامه عمل بپوشاند. حضور فعال و موثر فعالین جنبشهای اجتماعی و مبارزان راه آزادی و برابری، عناصر کمونیست جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، فعالین عرصه آزادی زن، مردم به تنگ آمده از حکومت سرمایه اسلامی در همراهی با نشریه و شرکت در مباحثات و جدلهای آتی ضامن موفقیت ما در پروژه تشکیل حزبمان خواهد بود. برای نشریه مطلب بنویسید، انتقادات، پیشنهادات و سوالات خود را بفرستید تا نشریه پربارتری داشته باشیم. این نشریه تریبون تمامی کسانی است که به مبارزه برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی باور دارند. ما به آزادی بی قید و شرط بیان اعتقاد راسخ داریم نه تنها در این نشریه بلکه همانگونه که در فراخوان مشترک آمده است: "حزبی که ایجاد میشود از نظر سازمانی و مناسبات درونی با چپ موجود تماماً متفاوت خواهد بود. ضمن اینکه بر مصوبات و تصمیمات جمعی و ارگانهای منتخب متکی و حول آن متحد است و باید یک حزب کاملاً منضبط و مستحکم و جدی باشد، اما همزمان باید در کلیه سطوح حزب آزادی بی قید و شرط بیان و نقد را تضمین و نهادینه کند. ایجاد فشار و فضای سرکوب به هر شکلی علیه منتقدین و اقلیت در حزب جرم محسوب میگردد." آزادی و برابری، کارگران،

زنان و مردان و جوانان رزمنده و سوسیالیست و همه کمونیستها، گروهها و نیروهای آزادیخواه و سرنگونی طلب را به همراهی و حمایت از این حرکت فرامی خوانیم."

رضا دانش

25 مارس 2017

5 فروردین 1396

نامه اول

ملاحظات بر بن بستهای جنبش! نامه هایی از داخل!

مبارزه است. همکاری و همیاری همه رفقا در گستردگی جنبش کلید موفقیت است. من نمی دانم تا کی قرار است فرصت سوزی کنیم؟ من نمی دانم آخر در این بازی شطرنج تا کی قرار است روی یک اسب بازنده و یک مسیر تکراری و بن بست که هزار بار هم کوبیده شده به عبث دوباره بیهوده شرط بندی کنیم؟ من نمی دانم تا کی قرار است خودمان را با مشغله های کاذب سرگرم و راضی کنیم؟ آیا ما روشنفکریم، آیا ما سیاست باز و سیاستمداریم، آیا ما ژورنالیسیم، آیا ما گروه فشاریم؟ اگر واقعا اینها نیستیم، اگر قرار است اتفاق و تغییر جدیدی رخ دهد، زمان بسیار اندک و محدود است باید دست به کار شویم، اگر قرار است تغییر ایجاد کنیم باید ابزار و آلات مناسب و کاری و برنده لازم را ایجاد نمود. ابزار اصلی ما حزب و باز هم حزب است بدون حضور یک حزب کمونیستی کارگری جدی و هشیار و مسئول و دلسوز هیچ انقلابی در هیچ کجای دنیا و تاریخ به نتیجه نخواهد رسید. مطمئن بسیاری از رفقا و

دوستان شاید با شنیدن چنین مباحثی شوکه شوند و بگویند محال است و یا بگویند چه ادعای بزرگی و... انسان در انزوا، در شرایط کار بی نتیجه و تکراری و اسیر شده در روابط و مناسبات غیر واقعی و... خسته و سر خورده میشود، احساس ناتوانی می کند و... من یقین دارم انسانهایی که صادقانه به آرمانهایشان عشق می ورزند و خواستشان بطور واقعی ایجاد تغییر و دگرگونی است و میدانند و می توانند مسیر درست حرکت را تشخیص دهند اینها از نظر من به نتیجه می رسند.

طی چنین مسیری فکر نمی کنم چندان کار ساده ای هم باشد. این یک کار هرکولی است، یک حرکت عظیم است و نیازمند انسانها و کادری است که خودشان را باور داشته باشند و امر کمونیسم و انقلاب کارگری برایشان یک سرگرمی و تفنن نباشد. کمونیسم و انقلاب کارگری و سوسیالیسم ضرورت فوری دنیای امروز و امری کاملاً شدنی و قابل حصول و دستیابی است. باید حرکت کرد، باید ارتباطات و هماهنگی ها را ایجاد نمود، لنین گفت: ارتباط و ارتباط و ارتباط بدون آن همه چیز لرزان است! باید زبان مشترکها را پیدا نمود، باید از تجربه کردن، باید از مشکلات و حتی شکستها در راه نهراسید.

میدانم مسایلی را که مطرح کردم به همین سادگیها نیست اما یقین دارم در سایه یک کار جدی و جمعی و جسورانه رفیقانه قابل اجرا و شدنی است. من در این مسیر با آمادگی کامل، با صداقت و فروتنی حاضر به فشردن دست هر رفیقی هستم.

نامه دوم

با سلام به رفیق عزیز سلام
زیجی!

متاسفانه و بر خلاف تمایل و خواست همه ما آنچه را که از جنبش کمونیسم کارگری مارکس و منصور حکمت امروزه در غالب سه فرقه موسوم به کمونیسم کارگری شاهدش هستیم تنها موجی از ریزش و سرخوردگی و آوار یک جنبش عظیم کمونیستی و کارگریست! دو فرقه رسمی و غیر رسمی حکمتیست و آن دیگری، جریان کذایی حمید تقوایی، اگر از همه ادعاهای دروغین و بی ثمر این جریانات بگذریم. انحراف به راست و انواع گرایشات غیر کارگری، ناسیونالیستی، پوپولیسم و اپورتونیسم حاد و مزمن، اکس مسلم و گرایشات فمینیستی و کمپینری و... بیداد می کند. این جریانات غیر کارگری و غیر کمونیستی آن چنان در دنیای تنگ و تاریک و جزم اندیشی و دونکیشوت خود گرفتار شده اند، تملق و چاپلوسی برای کسب پستها و مناصب حقیر تشکیلاتی که هیچگونه ارزش مصرف و کاربرد پراتیک و عملی برای جنبش کمونیستی و کارگری ندارد همه چیز شده است. متاسفانه بارگاه و جایگاه سست و لرزنده ای را متشکل از مثنی افراد متوهم بالا نشین و خیل دیگری که مجیز گوی آن بالا نشینان هستند را فراهم نموده است. در همچنین فضاهای بیمار و مسمومی افراد تملق و بی عقیده جایی برای ابراز وجود و رشد و ترقی تشکیلاتی می یابند و.. در مجموع مثنی افرادی که در دنیای غیر واقعی و در اوهام و خیالات خوش خویش در دنیای فضای مجازی و ماهواره و در اکس مسلم ها و انقلاب 88 و انقلاب

انسانی و سوسیالیسم مردم را رم می دهد و مردم خر نشوید و... پاسیو و منجمد شده اند. مثنی افراد حراف و مجیز گو که از صبح تا شب مجیز یکدیگر را می گویند! اما در دنیای واقعی، اما در عرصه جنبشهای اجتماعی کارگری، زنان و جوانان و... کاملاً مهجور و همیشه خنثی و بی تأثیرند. فاجعه است، کمونیسم منصور حکمت که با رادیکالیسمش، با پراتیکالش، با سکولاریسمش، با گرایش عمیقاً چپ و انقلابی و کارگریش، با ماکسیمالیسمش، با اومانسیسم عمیقاً انسانیش و... پا به عرصه وجود نهاده بود. این جنبش عظیم کمونیستی، کارگری و انسانی با همه عظمت و ابعاد و گستردگی به چه سرنوشتی گرفتار آمده است! سه جریان مدعی کمونیسم کارگری آن چنان در فساد سیاسی و روابط غیر انسانی تشکیلاتی، آن چنان در گرایشات انحرافی راست، آن چنان در غرور و خود بزرگ بینی های دروغین و کاذب و غیر واقعی فرود شده اند، که هر روزه ما شاهد موج گسترده ای از استعفاها، کناره گیریها، سرخوردگی و ریزش نیروها هستیم حالا یا علنی، یا در خفا و سکوت! همه ما برای این جنبش ریسک و خطر نموده ایم، همه ما خواست و آرزویمان برپایی حکومت شورایی و کارگریست! همه ما خواستمان خوشبختی و رهایی انسان در زنجیر از اسارت و چنگال سرمایه و مذهب و خرافه و ناسیونالیسم است، همه ما خواستمان برپایی یه دنیای بهتر و شایسته انسان است، خواست همه ما برخورداری از یک حزب رزمنده و مدرن و کمونیستی در چهارچوب ارزشهای انسانی مارکس و منصور حکمت است. من در این دوره بسیار

متاسفم که باید بخاطر آن که بتوانیم راه آینده را بگشاییم بی تعارف بگویم این سه جریان حتی در حد و قامت گروه فشار هم نیستند!! جامعه از فساد و فقر، از اختلاف طبقاتی، از بیکاری و گرانی، از تن فروشی و کلیه فروشی، از سرکوب و سانسور و هزار و یک بدبختی و بلا می جوشد! اعتراضات و تجمعات عظیم کارگری در پیشاپیش دیگر جنبشهای اجتماعی در حال غلیان و انفجار است و... اما تا زمانی که طبقه کارگر حزب دل سوز، مسئول، هشیار و رزمنده و پراتیکال و در عین حال فروتن و پر کار خود را نداشته باشد... از هزار هزار و بی نهایت از این همه مبارزات اجتماعی نه سوسیالیسم، نه رهایی و نه انقلاب کارگری نخواهد رویید. جامعه و جنبش ما فاقد حزب رهبر و سازمانده است. و این برای ما یعنی فاجعه، یعنی هیچ و این یعنی ما حمال به قدرت رسانی انواع گرایشات راست و بورژوازی و پرو غرب باشیم! این بدان معناست که ما گروه فشاریم، ما هیچکاره و خنثی و پاسیو و منزوی هستیم. من فکر می کنم ضروری ترین، میرم ترین و مهمترین مسئله جنبش جنبش کمونیستی و کارگری ما تشکیل فوری یک حزب کمونیستی مدرن و رزمنده است. من در دوران حزب اتحاد کمونیسم کارگری همه این مباحث را به دوستان و رفقای سابقم به کرات یاد آوری و گوش زد نموده ام. اما متاسفم متاسفم و باز هم متاسفم که این دوستان چشمها و گوشهایشان را بسته اند، اینها هم مانند دیگران نه می خواهند ببینند، نه می خواهند بشنوند و ازهر تلاش نوگرا و جدید هراسان و وحشت زده می شوند؟! فقط به قاچ زین پستهای حقیر و مناصب من بی ارزش تشکیلاتی آویخته اند؟! چندی پیش در نوشته کوتاهی ضرورت

در نمایش مسخره "انتخاباتی" این نظام جنایتکار شرکت نکنید!

ارزان میلیونی در جهت کسب رضایت و جلب توجه سرمایه داران داخلی و خارجی را تدارک می بینند. چرندیات اقتصاد مقاومتی خامنه ای و تحمیل جنایتکارانه چهار برابر زیر خط فقر "حداقل دستمزد" امسال دقیقا در همین راستا صورت گرفته است. گسترش فضای سرکوب و تحمیل آن به کل جامعه سیاست پایه دوشمان خواهد بود تا از این طریق مانع عروج مطالبات کارگران و مردم آزادیخواه از جمله مطالبات اقتصادی آنها شوند.

هر کس که وارد بازی شرکت در چنین نمایشی شود و باور کند که انتخاباتی در جریان است به راحتی هدف جمهوری اسلامی را تامین کرده است. به بخشی از خود پروژه و نیروی این نظام جانی تبدیل می گردد. دوره جدید در عین حال دوره حاد و پر مخاطره برای جمهوری اسلامی نیز هست. دوره پسا برجام پیامدهای زیادی برای این حکومت و عروج یا کنار زدن بخشی از جناحهای آن و همچنین دوره رودرویی بیشتر با جامعه و طبقه کارگر است. دوره خطر سرایت سناریوی سیاه منطقه به داخل ایران هم هست. بخشی از بورژوازی ایران از جمله بخش اصولگرای آن ضمن عقب نشینی و "نرمش قهرمانانه" در مقابل "شیطان بزرگ" بیش از هر زمانی به قلدری و سرکوب "قهرمانانه" و نشان دادن بازوی نظامی خود نیاز دارد تا بتواند از این بحران و تحول پسا برجام و همچنین عواقب حضورش در سناریوهای خونین کشورهای منطقه کم هزینه تر جان سالم

بدر ببرد. سران رژیم با وجود همه اختلافاتی که با همدیگر دارند ناچارند این مسیر را طی کنند. به این معنا، با وجود همه کشمکش های واقعی که هست خامنه ای و کلیت حاکمیت در موقعیت یک دست تر برای پاسخ به دوره جدید پسا برجام گام بردارند داشت.

صورت مسئله ما کارگران، ما مردم آزادیخواه، سرنگونی کلیت این رژیم است نه تبدیل شدن به گوشت دم توپ جنگ جناح بندیهای آن، باید به این بازی ۳۸ ساله توهین به خود پایان داد. این رژیم باید برود! با روحانی و خامنه ای و همه جناحهایش، این هدف محوری و مهم در گرو شروع یک مبارزه انقلابی و توده ای و رودرو است! در گرو برافراشتن پرچم رادیکال و سوسیالیستی سرنگونی طلبانه است، در گرو عروج مبارزه متحد و گسترده طبقه کارگر برای کسب موقعیت بهتر اقتصادی و سیاسی و تشکل یابی خود و متحزب شدنش است، در گرو به میدان آمدن احزاب سیاسی و سوسیالیستی و انقلابی جدید است، در گرو سازماندهی هدفمند میلیس توده ای و ارتش سرخ صف آزادیخواهان است. در گرو برافراشتن پرچم آزادیخواهانه مبارزه برای استقرار یک جمهوری سوسیالیستی در ایران است.

کارگران و مردم آزادیخواه و شرافتمند در نمایش مسخره "انتخاباتی" این نظام جنایتکار شرکت نکنید!

سلام زیجی

S_zijji@yahoo.se

۷ فروردین ۱۳۹۶

۲۷ مارس ۲۰۱۷

همه با هم ، پیش به سوی ایجاد

اتحاد مبارزان کمونیست هستند ، تعداد

بسیار زیادی از رفقای باسواد و مجرب به
انفراد و جدایی رفته اند و تازه در لابلای

صفوف سه جریان موسوم به کمونیسم

کارگری طیف گسترده ای در بدنه تشکیلاتی

و حتی در رهبری این جریانات هستند اینها

مردند ، اینها خنثی هستند و شاید بسیاری

از اینها منتظر یک اشاره رفیقانه باشند . می

خواهم این را بگویم باید همه امکانات ، همه

ملزومات و همه بستر های مناسب را ببینیم

این بسیار حیاتی است حتی اگر در مواردی

باعث و موجب کندی حرکت ما شود!!

همانگونه که رفیق رضا دانش چند روز

پیش گفته بود می توان از هم اکنون حول و

حراس و وحشت و نگرانی رهبری این سه

جریان را برای چگونگی حفظ نیرو هایشان

و پیشگیری از گسترش فضای یاس و تردید

را در آنها دید . همه این شرایط برای رفقای

که می خواهند دست به حرکت و اقدام نو

و جدیدی بزنند ، همه امتیاز مثبت است اما به

شرط آنکه واقعا دست به اقدام و تحرک نو و

جدیدی زده شود . . . لنین در جایی گفت :

مناسب ترین و کوتاه ترین راه برای رسیدن

به هدف راهیست که بر بستر استفاده از همه

امکانات قرار می گیرد . باید در حالت کلی

این همه نیروهای رزمنده ریزش شده و

کناره گرفته کمونیسم کارگری را دید و محل

رجوع رفیقانه باشند !! به نظرم اگر مقدر

باشد که قطعا مقدر و شدنی است بایستی در

سایه گذشت و فروتنی در سایه احترام

رفیقانه در حد امکان حتی بطور فردی با

تعدادی از رفقای قدیمی ، خوشنام و خوش

سابقه و با سواد که اکنون منفرد شده اند

تماس گرفته شود . نظر خواهی شود . در

حالت کلی اینها رفقای بسیار ارزشمندند ،

باید قدرشان را شناخت ، این طیف از رفقا

در عرصه مورد نظر می توانند نقشی مهم و

کلیدی داشته باشند . شاید .

جوابی کوتاه به منتقدین و مخالفان تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر

طی روزهای گذشته با جدایی رفقا افسانه زبجی، سلام زبجی و نسرين محمودی آذر، از اعضای کمیته مرکزی و تعداد دیگری از کادرهای حزب حکمیتست منجمله رفقا ژوبین مردوخی و رُزا کریمی، و همچنین انتشار فراخوان رفیق سلام مبنی بر تلاش جمعی از رفقای کمونیست داخل و خارج کشور (که در زمان مقتضی اسامی آنان اعلام خواهد شد) برای تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر، جمعی از مخالفان سیاسی به ظاهر جدی و فعالین احزاب گوناگون و افرادی که تا چند روز قبل سایه همدیگر را با تیر میزدند و چشم دیدن همدیگر را نداشتند، در سنگر مشترک دشنام و تحقیر جمعی از کمونیستهای مصمم و مبارز از جمله سلام زبجی که طرفدار سرسخت اتحاد و تشکل و مبارزه جمعی هستند، گرد هم آمدند! این که چرا باید انتشار یک فراخوان برای گردآوردن کمونیستها جهت مبارزه با جمهوری اسلامی و خلع ید از بورژوازی و سازماندهی انقلاب سوسیالیستی در ایران عده ای را که متأسفانه نام "کمونیست" را پدک میکشند این چنین نگران و آشفته کند! جای سوال است و خود این دوستان باید توضیح دهند!

جالب است، برای اولین بار طی سالهای گذشته و تنها در این مورد مشخص دیدیم که طیف به اصطلاح کمونیستهای "رادیکال" متشکل در احزاب سه گانه موسوم به کارگری علیرغم اختلافات سیاسی و درگیریهای حزبی و جناحی این بار علیه ایجاد یک تشکل کمونیستی شانه به شانه و هم نظر ظاهر شدند، تمام اختلافات سیاسی، تشکیلاتی "عمیق" و قدیمی خود را کنار گذاشتند، از رهبری خط رسمی و حکمیتست گرفته تا اعضای

سابق اتحاد و حککای حمید ... در کنار هم و با هم با لایک زدن پستهای همدیگر در صحنه "کارزار" فیس بوکی موجی از دشنام و تحقیر و حمله به سلام زبجی را سازمان دادند و همکاری و همیاری خود را در نبرد مشترکشان به رخ جهانیان کشیدند!! شخصا از اینکه توانسته ایم عامل اتحاد و نزدیکی بیشتر این دوستان باشیم، خوشحالم و آرزو میکنم، شاهد به هم پیوستن همیشگیشان باشیم!

با توجه به نوشته های تاکنونی، مخالفان ما اساسا دو گروه هستند، دسته ای بدون شناخت کامل از افراد دست اندرکار و هسته اصلی این حرکت و عدم آگاهی از آغاز و ادامه ی پروسه ی موجود، نشستن در حاشیه و کناره گیری را بر دخالت و فعالیت در این راستا ترجیح میدهند! و ما را نیز به آن تاسی از خود دعوت میکنند! اینان علیرغم نظر مثبت و تایید ضرورت تشکیل حزب کمونیستی طبقه کارگر، اما این جمع در حال حاضر "ناشناس" را، فاقد توانایی و پتانسیل لازم اعلام میکنند. هر چند بر نواقص و کارکرد معیوب و نامطلوب احزاب موجود صحنه میگذارند، اما تصور میکنند حزب درست کردن کار هر کسی نیست و تنها در توان از "مابهران" سیاسی است! به این عزیزان باید گفت رفقا و دوستان گرامی، ما آنچه را در توان داریم انجام میدهم و تلاش میکنیم آن حزب رزمنده کمونیستی کارگری و انقلابی را که مد نظر ما و شما و خیل عظیمی از کارگران کمونیست است با کمک هم ایجاد کنیم. میدانیم کاری بس دشوار و سخت است اما باور داریم در این راه موفق خواهیم شد، در این راه از

همراهی و همیاری هر کمونیستی استقبال میکنیم.

اما دسته دوم به دلیل تعلقات تشکیلاتی و عضویت در احزاب موجود با احساس خطر از شروع فعالیتهای ما، با رفتارهای غیرسیاسی به تمسخر و تحقیر ما روی آورده اند! تمام توان خود را به کار گرفته اند تا به ما بقولانند نمیتوانیم، میخواهند با ایجاد فضای مسموم و غیر سیاسی، اولاً از ریزش نیروهای خود جلوگیری کرده و دوماً مانع از همراهی کمونیستهای به قول آنان "خانه نشین"، "نامید"، " سرخورده" و "مستاصل" به این حرکت و تلاش جمعی شوند. دوستان عزیز و گرامی ما فراخوان منتشر شده را تنها تبلیغات پوچ در دنیای مجازی و رفتاری از سر احساس و شتابزدگی میدانند، برخی از این دوستان تلاش ما را "جوک" و مسخره عنوان کرده اند، اما اقداماتشان کاملاً خلاف گفته هایشان است!

ظاهراً این دوستان انفعال و پاسیفیسم و حاشیه نشینی در تحولات جاری و بی ربطی مطلق احزابشان به جامعه ایران را نمی بینند یا دوست دارند نبینند، تصویرشان از حزب و فعالیت حزبی و تشکیلاتی معادل تبدیل شدن حزب به بنگاه انتشار بیانیه و اعلامیه و نشریات البته آن هم در اینترنت و دنیای مجازی است. برخی از اعضای رهبری احزاب موجود حزبیت سیاسی و فعالیت متشکل کمونیستی را با سیطره محفلیسم و ترویج فدرالیسم تشکیلاتی بر سازمان حزب به ابتذال و نابودی کشانده اند، دوستان عزیز، اگر فکر میکنید ما قصد داریم حزب دیگری از نوع حزب شما و مشابه آن بسازیم، در اشتباه هستید، آنچه ما کمونیستها قصد داریم بسازیم حزبی



نسرین محمودی آذر
nasrinmahmodi@yahoo.com

مصاحبه نسرین محمودی آذر با سازمانده کمونیست در مورد 8 مارس

دوم زنان در میان بخشی از مردم و کم کاری و ممانشات فعالین چپ و سوسیالیست در نقد و افشای این گونه افکار و اندیشه ها و با توجه به پوپولیسم حاکم در بین بخشی از نیروهای سیاسی اعم از چپ و راست و فعالین آن در داخل در بسیاری از نقاط امکان برگزاری مراسم به صورت علنی وجود ندارد، یا برگزاری مراسم با مشکلات جدی روبرو است. متأسفانه کم نیستند زنان و مردانی که هنوز در اثر ناآگاهی مدافع نابرابریهای جنسیتی هستند.

در سالهایی که در کردستان عراق زندگی کردم همراه با رفقای متشکل در گروه "ژیان" که افتخار عضویت در آن را داشتم هر سال مراسم ۸ مارس روز جهانی زن را برگزار میکردیم. در سال ۲۰۱۳ در مراسم ۸ مارس در سلیمانیه تمرکز گروه علیه قتل‌های ناموسی بود، اعضای گروه با پوشیدن کفن که با شعارهای "نه به قتل‌های ناموسی" و "نه به حکومتی که در این کشتار دست دارد" منقش بود، در مرکز شهر (بازارمولوی) به طرف پارک "باغی گشتی" راهپیمایی کردیم، در طی مسیر تعداد بسیار زیادی از مردان و زنان آزادیخواه به صف معترضان پیوستند و ما را همراهی کردند.

ما اعضای گروه ژیان در این سالها تنها به برگزاری مراسم سالیانه ۸ مارس بسنده نکرده و بارها و به دفعات در برابر ساختمان دادگستری شهر به دلایل گوناگون از جمله به دلیل صدور احکام ناعادلانه علیه زنان اقدام به برپایی چادر کرده و چند شبانه روز در آن محل به اعتراض نشستیم. پس از حمله وحشیانه داعش به شنگال ما به مدت یک هفته به

این احزاب در بطن جامعه کماکان شاهد بروز حرکت‌های اعتراضی گسترده و سازمان یافته زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در اقصی نقاط کردستان بودیم و هستیم. بارها و بارها شاهد تظاهرات و اعتراضات فعالین جنبش آزادی زنان علیه خشونت‌های جنسی و سنت‌های عقب مانده عهد عتیق و باورهای عقب مانده دینی و مذهبی در شهرهای مختلف کردستان بوده ایم. مبارزات زنان و مردان مبارز برابری طلب در کردستان به دلیل اقبال عمومی و حمایت وسیع توده های مردم، رژیم جنایتکار سرمایه داری جمهوری اسلامی را در موارد بسیاری وادار به عقب نشینی کرده است از جمله در بحث به اصطلاح مبارزه با "بد حجابی" رفتارهای ضد انسانی عمال مزدور و وحشی نیروهای انتظامی با سایر مناطق از سببیت کمتری برخوردار است.

سازمانده کمونیست: هر ساله در شهرهای کردستان مراسمهای گرامی داشت ۸ مارس را داشتیم. اگر خود شما در این رابطه تجربه ای دارید، بازگو کنید؟ امسال چگونه باید به استقبال این روز بروند؟ انتظار از فعالین مبارزه برای برابری زن و مرد چیست؟

نسرین محمودی آذر: تا سال ۲۰۰۸ که در کردستان ایران ساکن بودم، هر سال در اینگونه مراسمها شرکت میکردیم و چندین بار عضو کمیته برگزار کننده بودم. متأسفانه به دلیل خفقان حاکم بر جامعه از سویی و از سوی دیگر به علت وجود باورها و افکار عقب مانده و ارتجاعی در میان بخشی از توده های مردم به دلیل اعتقادات مذهبی و پذیرش جایگاه درجه

سازمانده کمونیست: موقعیت جنبش زنان را در جامعه کردستان ایران چگونه می بینید؟ سابقه و تجربه مبارزه زنان در کردستان در چه اشکال و شیوه هایی بروز پیدا کرده است؟

نسرین محمودی آذر: پس از شکست انقلاب ۵۷ نابرابری جنسیتی بین زن و مرد در ابعاد غیرقابل باوری افزایش یافت. حاکمیت و نیروهای ارتجاعی هوادار آن با ارباب و سرکوب مخالفان و نیروهای چپ و آزادیخواه جامعه را در این زمینه نیز همچون دیگر زمینه ها به عقب سوق دادند. فرصتهای شغلی برای زنان در عرصه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به شدت کاهش یافت، جدا سازی جنسیتی در محیط کار و در مراکز تحصیلی و آموزشی بالا گرفت. حجاب اجباری، ازدواج دختران زیر سن قانونی قانونی شد!، آمار ضرب و شتم زنان توسط مردان خانواده و قتل‌های ناموسی در مناطقی از ایران فزونی یافت.

اقدامات ضدانسانی سرداران رژیم در برقراری مجدد قوانین عقب مانده مذهبی زمینه بروز نارضایتی و اعتراضات گسترده ای در جامعه ایران و مخصوصا کردستان گشت. در کردستان ایران به دلیل وجود طیف گسترده ای از انقلابیون چپ و کمونیست متشکل در احزاب رادیکال در آن مقطع، دامنه مخالفتها و اعتراضات وسیع تر، متشکل تر و سازمان یافته تر بود. هر چند در ادامه با عقب نشینی این احزاب به خارج از مرزهای ایران و حضور نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم شاهد دستگیریها و اعدامهای دسته جمعی در شهرها و قتل عام مردم در دهها روستا در مناطق مختلف کردستان بودیم. ولی در غیاب

پوپولیسم و شفافیت! در حاشیه مطلب سیاوش دانشور (در باره تبلیغات ضد چپ، سوسیالیسم...)

منتقد از احزاب چپ موجود و کسانی است که از حزب حکمتیست کناره گیری کرده اند، کادرهای کمونیست از جمله سلام زیجی و چند نفر دیگر از رهبری که اخیراً از حزب حکمتیست جدا شده اند و به گفته شما به "جبهه سرمایه داری و سیاوش غیر مستقیم .حکومت" پیوسته اند در جواب به سمینارهای سلام زیجی که چپ و سیاستهای احزاب چپ را در چند سمینار نقد کرده است مینویسد: " این همه کارشناس "شکست چپ" برای چه بمیدان آمده اند؟ آیا این اردوی بشدت متناقض دارند یک صدا از واقعیتی سخن می گویند؟ یا در پس این جست و خیزها وحشتی نهفته است که البته خود را به برخی ناکامی ها و شکست های تاریخ نسلهای قبل هم متکی می کند؟ تردیدی نیست که می توان با بررسی تاریخی و تجارب معین راجع به زمینه ها و دلایل شکست یک حرکت، یک قیام، یک این بدیهی .انقلاب، یک جنبش سخن گفت ترین عمل برای یک پراتیسیس انقلابی است که همچنان برای تغییر تلاش می کند و نیازمند رجوع به تاریخ برای درس گرفتن از تجارب مثبت و منفی پیشینیان است. اما نداشتن پروژه ای برای تغییر انقلابی و حمله به چپ و تاریخ چپ و چپ مُتَشکَل، سیاستی عمیقاً راست است. این کاری است که حکومتی ها و جنبشهای دست راستی بطور روتین مشغول آن هستند"، مانند روز روشن است سیاوش می داند، که کسانی همانند سلام که منتقد حزب حکمتیست هستند در اعتراض به سیاستهای راست و انفعالی حزب حکمتیست از این حزب جدا شده

اند و برای پیشبرد سیاستهای کمونیستی و رادیکال پروژه دارند، ولی واضح است که این پروژه بخشا در نقد سیاستهای حزب حکمتیست است و این موضوعی است که سیاوش علاقه ای ندارد که منتظر بماند و بعداً آن را نقد کند. ایشان ادامه می دهند " اما این تلاشهای حکومتی و بیرون حکومتی و دست راستی از حمله به چپ، که متأسفانه از میان چپها در داخل و خارج هم قربانیانی گرفته است، چه اهدافی دارد و منعکس کننده کدام واقعیات است؟ اولاً باید تأکید کرد که کمونیست ها همواره بر توضیح تفاوت دیدگاهها و سیاستهای خود در مقابل راست جامعه و دیگر سُنّت ها و جریانات سیاسی چپ تأکید می کنند، اما هیچ کمونیسم سیاسی نمی تواند ضدّ چپ باشد. ضدّ چپ بودن پلاتفرم و سیاست کمونیسم نیست، پلاتفرم جریانات راست است حتی اگر توسط کمونیست ها بدست گرفته شود". سیاوش عزیز دارید با کدام چپ دیالوگ می کنید، می شود ما را احمق فرض نکنید و آدرس آن چپ و لینک چپی که با حکومتیان، بی بی سی و غیره هم آوا شده را بدهید یا دارید شوخی می کنید. باز هم مجبورم یادآوری کنم که منظور شما از این چپ، حزب کمونیست کارگری و احزاب چپ دیگر نیست، چون شما و حزب مربوطه، مدتهاست که سیاستهایتان یکی شده و برای جامعه هم مسئله شده است، شماهایی که این همه اشتراکات دارید، چرا یکی نمی شوید. منظور شما از این چپ ماها هستیم که به سیاستهای پاسیفیستی و راست ، به محفلیسم تان، به زیر فرش کردن سیاستهای مصوب حزب و پشت کردن به سیاستها و سنتهای کمونیسم کارگری از سوی شما نقد داریم به آن معترض هستیم و در تلاش هستیم که با ننگه داشته اید، راه حل و آلترناتیو انقلابی نشان دهیم و به نیاز هزاران نفر

اند و برای پیشبرد سیاستهای کمونیستی و رادیکال پروژه دارند، ولی واضح است که این پروژه بخشا در نقد سیاستهای حزب حکمتیست است و این موضوعی است که سیاوش علاقه ای ندارد که منتظر بماند و بعداً آن را نقد کند. ایشان ادامه می دهند " اما این تلاشهای حکومتی و بیرون حکومتی و دست راستی از حمله به چپ، که متأسفانه از میان چپها در داخل و خارج هم قربانیانی گرفته است، چه اهدافی دارد و منعکس کننده کدام واقعیات است؟ اولاً باید تأکید کرد که کمونیست ها همواره بر توضیح تفاوت دیدگاهها و سیاستهای خود در مقابل راست جامعه و دیگر سُنّت ها و جریانات سیاسی چپ تأکید می کنند، اما هیچ کمونیسم سیاسی نمی تواند ضدّ چپ باشد. ضدّ چپ بودن پلاتفرم و سیاست کمونیسم نیست، پلاتفرم جریانات راست است حتی اگر توسط کمونیست ها بدست گرفته شود". سیاوش عزیز دارید با کدام چپ دیالوگ می کنید، می شود ما را احمق فرض نکنید و آدرس آن چپ و لینک چپی که با حکومتیان، بی بی سی و غیره هم آوا شده را بدهید یا دارید شوخی می کنید. باز هم مجبورم یادآوری کنم که منظور شما از این چپ، حزب کمونیست کارگری و احزاب چپ دیگر نیست، چون شما و حزب مربوطه، مدتهاست که سیاستهایتان یکی شده و برای جامعه هم مسئله شده است، شماهایی که این همه اشتراکات دارید، چرا یکی نمی شوید. منظور شما از این چپ ماها هستیم که به سیاستهای پاسیفیستی و راست ، به محفلیسم تان، به زیر فرش کردن سیاستهای مصوب حزب و پشت کردن به سیاستها و سنتهای کمونیسم کارگری از سوی شما نقد داریم به آن معترض هستیم و در تلاش هستیم که با

جوابی کوتاه به منتقدین

متفاوت و متمایز است، حزبی با سیاستهای روشن کمونیستی، کارگری است، ما خواهان حزبی لنینی، رزمنده و انقلابی با نظم و دیسپلین هستیم، حزبی بدور از استانداردهای دوگانه در برخورد به اعضا، حزبی که قبل از هر جایی آزادی بی قید و شرط بیان را در بین صفوف خود نهادینه کند، حزبی بدور از رفتار و عملکردهای فرقه ای و سکتی، بدور از محفلیسم و نسبیت سیاسی و رهبری مادام العمر، و ...

رفقا، دوستان عزیز و گرامی متاسفانه مارکس، لنین، حکمت و ... دیگر در بین ما نیستند، برخلاف روشنفکران "کمونیست" شخصا به ظهور "منجی" کمونیست اعتقادی ندارم، گر چه ترجمه متون و مقالات اندیشمندان و متفکران چپ را کاری ارزشمند و قابل تقدیر میدانم، اما کار و فعالیت کمونیستی را به ترجمه و کپی بحثهای تئوریک از رهبران "کمونیست" خلاصه نمیکنم، برخلاف بعضیها نوشتن مطلب و مقالات التقاطی و غیرقابل فهم برای توده های کارگر و مردم "عادی" و نوشتن تفسیرهای دست دوم از تحولات و تحلیل های آیکی از اوضاع جهان و ایران را لازمه و شاخصه ی کمونیست بودن نمیدانم، چه بسیار بودند و هستند، تئوریسن و متفکران "کمونیستی" که هیچگاه منشا اتحاد و همبستگی و شکل و تحزب نشدند! برعکس با خط کشیهای فرقه ای و ترجیح منافع حقیر محفلی بر منافع جنبش کمونیستی و بخاطر پستهای تشکیلاتی عامل تفرقه و پراکندگی کمونیستها شدند. بنظرم نکته تمایز رفقای من با اینگونه افراد در عزم و اراده و تلاش خستگی ناپذیر آنها در راه اهداف کمونیستی نهفته است، قبل از اعلام فراخوان و علنی شدن این پروژه شخصا

تصور این مخالفتها را داشتیم، از هیچ رفتار و گفتار و نوشته ای ولو هیستریک و فالانژگونه چه در جلسات پالتاکی رهبری با اعضا نظیر آنچه برگزار شد و چه در سطح علنی در این رابطه متعجب نخواهم شد. در خاتمه باید تاکید کنم اینگونه برخوردها نه تنها باعث دلسردی و ناامیدی این جمع نخواهد شد، بلکه عزم و اراده و تلاش ما را بیشتر از پیش خواهد کرد.

23 فوریه 2017

5 اسفند 1395

مصاحبه نسرین محمودی
آذر با ...

شهرهای زاخو و دهوک سفر کردیم و ضمن بازدید از کمپهای آوارگان در این دوشهر با زنان رها شده از اسارت داعش و بازماندگان قربانیان به گفتگو نشستیم و کمکهایی که توسط گروه قبل از سفر جمع آوری شده در اختیار آوارگان جنگ قرار دادیم .

برگزاری مراسم ۸ مارس از ابتدا به ابتکار سوسیالیستها شکل گرفت، در جامعه کردستان نیز با وجود تمام سنگ اندازیها، اقدامات سرکوبگرانه و توحش عمال جمهوری اسلامی به سنت نیروهای چپ آزادیخواه و سوسیالیست در بطن جامعه تبدیل شده است، در ایران منشا وجود نابرابری جنسیتی، مردسالاری و سنتهای عقب مانده ضد زن حاکمیت سرمایه داری اسلامی است، به غیر از مشکلات معیشتی و اشتغال، زنان از بدیهی ترین آزادیهای فردی و جمعی محروم هستند، روزانه زنان زیادی به خاطر نوع پوشش، نحوه توسط نیروهای مزدور و ... آرایش و جنایتکاران رژیم در کوچه و خیابان در شهرهای بزرگ و کوچک مورد

بیحرمتی، بازخواست و تحقیر و بازداشت قرار میگیرند، بارها از طریق شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک و گوگل پلاس و تلگرام و ... شاهد برخوردهای ضدانسانی جنایتکاران و مزدوران حاکم بر ایران با زنان بوده ایم، در اینجا باید به نکته ای بسیار مهم اشاره کنم متاسفانه در موارد بسیاری آنچه بیشتر از برخوردهای وحشیانه نیروهای امنیتی بیننده را ناراحت میکند بی تفاوتی حاضران در صحنه و گرفتن فیلم و عکس است! غافل از این که این گونه برخوردها باعث جسارت بیشتر و جری تر شدن نیروهای سرکوبگر رژیم شده و احیانا عقب نشینی زنان جسور و مبارز را در پی خواهد داشت. همه ما باید بدانیم، مبارزه برای رفع آپارتاید جنسی و برابری زن و مرد در جامعه و لغو قوانین ضدزن در گرو به میدان آمدن تمامی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب است. هر فعال سیاسی آزادیخواهی و هر انسان مبارز برابری طلبی وظیفه دارد در آستانه روز ۸ مارس در ایجاد کمیته های برگزار کننده مراسم روز جهانی زن کمک کند تا مراسمهای روز جهانی زن با شکوه بیشتر و جمعیت کثیرتری برگزار شود. در این اوضاع نابسامان باید مصمتر و محکم تر از سالهای قبل قدم برداشت تا زمینه لغو قوانین ارتجاعی ضد زن آماده شده و تبعیض و نابرابری جنسیتی ریشه کن شود.

مارس 2017



مرگ بر سرمایه داری!

پوپولیسم و شفافیت.....

نقد شما که انسانها را در صف انتظار نگه داشته اید، راه حل و آلترناتیو انقلابی نشان دهید و به نیاز هزاران نفر در داخل و خارج کشور جواب دهید .

سیاوش عزیز این را از من قبول کنید آدمها یک شبه طرفدار سرمایه دار، حکومت و ضد انقلاب نمی شوند !بعنوان یک انسان سیاسی و قابل احترام خوب است که وقتی دست به قلم می برید این ملاحظه را در نظر بگیرید. در گذشته در حزب حکمتست رفقایی بودند که حداقل اجازه نمی دادند که همچین مطالبی در ارگان رسمی حزب منتشر شود، ولی متأسفانه در حال حاضر نه تنها مانعی بر سر راه آن نیست بلکه در میدیا و شبکه های اجتماعی از طرف همین رفقا لایک و باز تکثیر میشود، که جای تأسف دارد.

کاش سیاوش به جای این همه آسمان ریسمان کردنیهای بی مورد، مستقیماً به موضوع مورد نظرش می پرداخت، این کار به بحث سیاسی سالم کمک می کرد، تلاش می کرد خوانندگان مطلبش را قانع کند که پروژه کسانی که راه دیگری را انتخاب کرده اند، ضد کارگری و ضد کمونیستی است.

28 فوریه 2017

10 اسفند 1395

ملاحظات بر بن بستهای جنبش!

من هدفم انجماد در گذشته نیست و یا یکسره پنبه گذشته را بزیم . اما یک نکته هستش که اگر قرار است هر گونه حرکت و برنامه و اقدام جدیدی صورت بگیرد ، این گذشته ها بایستی مورد نقد و جمع بندی دقیق قرار بگیرد . این لازم و ضروری است ، من فکر میکنم شتر سواری دولا دولا نمی شود . باید

مصالحه کاری و محافظه کاری را به کناری گذاشت . از نظر من صراحت ، صداقت ، روراستی و با فروتنی و آغوش باز اشتباهات را پذیرفتن این خیلی مهم است . اگر رفیق یا رفقایی از اوضاع کنونی به تنگ آمده و به دنبال راه جدیدی هستند باید با همه وقایع گذشته و حال و آینده صادقانه برخورد کنند . نمی شود هم خر را داشت و هم خرما را ! یکی از مشکلات بزرگی که الان در صفوف ما پیش آمده جو عدم اعتماد ، لجبختها و کینه جوئی و خود خواهی ها و ... آری یکی از بدترین مشکلات ما بی اعتمادی و لجبختهاست . از نظر من اینها را که گفتم می تواند زمینه ساز و برگشت فرصت های از دست رفته و برگشت اعتماد ها باشد ! محافظه کاری ، عدم بیان حقایق و ماله کشی روابطی که به چرک و عفونت طبقاتی آغشته اند تحت عناوین پوچ و بی ارزشی به نام حفظ منفعت جنبش و توهمات حقیرانه ای از این دست و ... آفت و بلای جان روابط اصیل کمونیستی و رفیقانه است . دروغگوئی و پیمانیدن واقعیتها کار کمونیستها نیست ! علنیت ، صراحت و صداقت و پافشاری بر روی اصول از نظر من پایه های اصلی استحکام جنبش ماست .

من فکر می کنم این سه حزب مدعی کمونیسم کارگری هر یک از اینها نه یک بار بلکه بارهای بار بد جوری از امتحان مردود شده اند . بر این بناهای ویران و نیمه ویران این احزاب بعید است بتوان به نتیجه جدیدی رسید . آنهایی که بر سکوهای این احزاب نشسته اند بد جوری خودشان را در آنجا جوش و پیچ و مهره کرده اند . من به کار و همکاری با این احزاب خوش بین نیستم . همانطور هم که گفته ام کنگره ها ، پلنوم ها ، نشستها ، ادعا ها و ادغام

بیهوده شرط بندی کنیم ؟ من نمی دانم تا کی قرار است خودمان را با مشغله های کاذب سرگرم و راضی کنیم ؟ آیا ما روشنفکریم ، آیا ما سیاست باز و سیاستمداریم ، آیا ما ژورنالیسیم ، آیا ما گروه فشاریم ؟ اگر واقعا اینها نیستیم ، اگر قرار است اتفاق و تغییر جدیدی رخ دهد ، زمان بسیار اندک و محدود است باید دست به کار شویم ، اگر قرار است تغییر ایجاد کنیم باید ابزار و آلات مناسب و کاری و برنده لازم را ایجاد نمود . ابزار اصلی ما حزب و باز هم حزب است بدون حضور یک حزب کمونیستی کارگری جدی و هشیار و مسئول و دلسوز هیچ انقلابی در هیچ کجای دنیا و تاریخ به نتیجه نخواهد رسید .

مطمئنم بسیاری از رفقا و دوستان شاید با شنیدن چنین مباحثی شوکه شوند و بگویند محال است و یا بگویند چه ادعای بزرگی و... انسان در انزوا ، در شرایط کار بی نتیجه و تکراری و اسیر شده در روابط و مناسبات غیر واقعی و... خسته و سر خورده میشود ، احساس ناتوانی می کند و... من یقین دارم انسانهایی که صادقانه به آرمانهایشان عشق می ورزند و خواستشان بطور واقعی ایجاد تغییر و دگرگونی است و میدانند و می توانند مسیر درست حرکت را تشخیص دهند اینها از نظر من به نتیجه می رسند .

طی چنین مسیری فکر نمی کنم چندان کار ساده ای هم باشد . این یک کار هرکولی است ، یک حرکت عظیم است و نیازمند انسانها و کادرهایی است که خودشان را باور داشته باشند و امر کمونیسم و انقلاب کارگری برایشان یک سرگرمی و تفنن نباشد . کمونیسم و انقلاب کارگری و سوسیالیسم ضرورت فوری دنیای امروز و امری

ملاحظات بر بن بستهای جنبش!

کاملاً شدنی و قابل حصول و دستیابی است. باید حرکت کرد، باید ارتباطات و هماهنگی ها را ایجاد نمود، لنین گفت: ارتباط و ارتباط و ارتباط بدون آن همه چیز لرزان است! باید زبان مشترکها را پیدا نمود، باید از تجربه کردن، باید از مشکلات و حتی شکستها در راه نهراسید.

میدانم مسایلی را که مطرح کردم به همین سادگیها نیست اما یقین دارم در سایه یک کار جدی و جمعی و جسورانه رفیقانه قابل اجرا و شدنی است.

کامران پایدار

17/3/95

همه با هم، پیش به سوی ایجاد مقدمات و برپایی یک حزب جدی و مصمم و پراتیکال کمونیستی و کارگری!

بی تعارف بگویم من دو جریان حکمتیست رسمی و غیر رسمی و خط راست و انحرافی کورش مدرسی و حمید تقوایی را بمثابه جریان و حزب کمونیستی کارگری منطبق با اسلوب و اصول مارکس و منصور حکمت نه قبول دارم و نه آنها را به رسمیت می شناسم و.. در زمان انحلال و ادغام تحقیر آمیز و افتضاح حزب اتحاد در ح حکمتیست از جمله مخالفین این طرح ورشکسته و بی نتیجه من بودم متاسفانه بی پرنسیپی، کوته بینی و خودخواهی و منفعت های حقیر شخصی و تشکیلاتی شخصیت های سوخته و بی اعتباری چون علی جوادی و باند اطرافش که حالا دیگر چوب دو سر عسلی و مضحکه

خاص و عام شده اند منجر به جو سازیهای غیر رفیقانه ای علیه من شد و... و به دنبال و علیرغم اصرار غیر منطقی و بیش از حد برخی از رفقا مبنی بر ماندن من کناره گرفتم. برخی از دوستان سابق در حزب منحل اتحاد کمونیسم کارگری سابق در جریان همه چیز هستند و... متاسفانه تعدادی از رفقا که از آنها انتظار و توقع تصمیمات و برخوردهای منطقی تری بود آنها هم عاجز ماندند و هم نتوانستند تصمیمات مناسبی بگیرند و سرنوشت خویش را به بد مسیری در بن بست، در تناقض و تضاد گره زدند من نمی دانم امثال اینها تا کی و تا کجا می خواهند حقایق را ماله کنشی کنند و با تردید و شکاکیت دو لا دو لا شتر سواری نمایند و... البته این به خودشان مربوط است و... هر چند گذشته از اختلافات از نظر من رفقای ارزشمند و محترمی هستند. اما بی تردید آب در هاون می کوبند. از جزییات بگذریم، خواستم این را بگویم من دو جریان حکمتیست و فرقه تقوایی را سوخته تر و بی اعتبار تر از آن میدانم. اگر قرار است حزبی جدید ایجاد شود اکیدا و با تاکید می گویم باید همه کیلومترها واقعا صفر شود در یک فضای باز، در یک فضای رفیقانه و به دور از هر گونه تاثیر پذیری از آن سه جریان انحرافی تصمیم گیری و برنامه ریزی شود باید به همه افراد رجوع شود. من شخصا تحت هیچ شرایطی حاضر نخواهم شد به پای سیاستهای ورشکسته این جریانات بیایم و گذشته را تکرار نمایم و... اما در عین حال عمیقا باورم این است همه رفقای که قرار است در این پروژه نقشی داشته باشند، لازم و بسیار مهم و حیاتی است در حالیکه کیلومترها را صفر نموده اند. با همدلی، با همکاری، با انعطاف با احساس مسئولیت و با احترام گذاردن به نظرات متفاوت دیگران و... تعامل

نمایند. ما می توانیم همه چیز باشیم، باز هم می گویم ما می توانیم همه چیز باشیم اگر دستهایمان صادقانه و با فروتنی و احترام و با احساس مسئولیت برای حصول نتیجه در دست هم باشد. همچنان مشتاقم هرچه زودتر رؤس سیاست و برنامه های همه رفقا را ببینم و بشنوم. نکته دیگر که من بر آن تاکید دارم اگر قرار است تلاشی برای برپایی حزبی صورت پذیرد این اقدام و این تلاش بایستی بسیار دقیق، سنجیده، گسترده و همه گیر و اصولی باشد این اقدام نباید در سطح جدایی و انشعاب تعدادی از رفقا از فرقه رحمان و فاتح شیخ باشد! ببیند الان بسیاری از رفقای جنبش کمونیسم کارگری در طی چند ساله های اخیر و بعثت بی کفایتی این سه جریان بنوعی ریزش و کناره گیری نموده اند، اگر قرار است حزبی برپا شود باید به همه این رفقا با گشاده رویی، با احترام و حتی با علائق عاطفی روبرو شویم. باید با اغماض و گذشت و بنا به نیاز و اهمیت ضرورتها در صورت امکان گذشته ها و اختلافات و سئو تفاهات شخصی را به گذشته بسپاریم. اما در عین حال ضروری و مبرم و لازم است نره ای از اصول کوتاه نیامد. باید شفاف و بی پرده و واضح و بی تحریف همه مسایل و نظریات عنوان شود منتها در یک فضای رفیقانه و کمونیستی و برابر بر مبنای احترام متقابل! نبایستی کسی بر کسی برتری داشته باشد. نیازی به کد خدا و بزرگ منشی نیست. این جنبش اکیدا نیازی به آنهایی که در توهماتشان خویش را مالک و صاحب نظر همه چیز میدانند ندارد. بسیاری از این شخصیتهای منجمد شده و خودخواه و خود فریب دیگر تاریخ مصرفشان به پایان رسیده مگر اینکه با فروتنی تا دیر نشده خویش با روند تکامل و مبارزه همراه نمایند. امروز دوستان زیادی در

صفحه 12

مرگ بر جمهوری اسلامی!

با دروهای انقلابی!
سلام زیجی

تلفن ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

S_zijji@yahoo.se

سوم اسفند ۱۳۹۵

۲۱-فوریه ۲۰۱۷

بیانیه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان در رابطه با دستمزد سال ۹۶

کارگران، مردم شریف ایران!
تحركات مربوط به تعیین دستمزد کارگران برای سال 96 از چند روز پیش به این سو به جریان افتاده است. مقامات دولتی، تشکلهای کارفرمایی، اطاق بازرگانی و تشکل های اسما کارگری از شورای اسلامی کار که بی ربط ترین تشکل به طبقه کارگر می باشد تا خانه کارگر و غیره و غیره همگی به این بحث وارد شده اند. این اجماع ضد کارگری در یک سمفونی گوش خراش در صدد است با دست آویز قرار دادن "شرایط نابسامان اقتصادی" و با تکیه بر بودجه ریاضتی دولت، امسال هم مانند سالهای گذشته دستمزد کارگران را چندین مرتبه زیر خط فقر تعیین کند. برای رسیدن به این مهم و آماده نمودن ذهنیت کارگران و خانواده های آنان و برای تحمیل یک دستمزد غیر واقع؛ دولت چندی پیش حقوق کارکنان خود را برای سال 96 حدود 10 درصد افزایش، اعلام نمود.

همچنین محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت در نشست خبری اخیرش درباره حداقل دستمزد گفته است "دولت خود را مقید به افزایش دستمزدها بر اساس نرخ تورم می داند" چنین اظهار نظرهایی در شرایطی صورت می پذیرد که مرکز آمار ایران نرخ تورم بهمن 6.8 درصد اعلام کرد. چنین نرخ از تورم با پرواز ناگهانی قیمت اقلام و / ماه را با یک دهم درصد کاهش نسبت به ماه

صفحه 20

ایجاد یک حزب سیاسی کارگری جدید، با سنت مبارزاتی جدید، باحضور رهبران کارگری و مبارزین "جدید" در آن، و سازمان دهی یک مبارزه واقعی جدی و سرنگونی طلبانه با پرچم سوسیالیستی از جانب همه ما، اعم از نسل قدیم و جدید، امروز هم ممکن و هم بسیار ضروری شده است! هیچ تردیدی در وجود این خلا واقعی و ضرورت پر کردن آن نیست. در این جهت، عملا تلاش سیاسی و عملی در اقصی نقاط ایران و خارج کشور به راه افتاده است!

در سه سمینار ارائه شده، طی یک ماه اخیر، بخشهای مهمی از ضرورت چنین حزبی و اهداف و سیاستی که باید دنبال کرد و تفاوتش با جریانات موجود چیست، ارائه گردید. برای به سرانجام رساندن این مهم، و برای اهداف مشترک کمونیستی و کارگری و برنامه ای خودمان، و برای سهیم شدن و به بیش بردن این وظیفه مشترک و تاریخی از همه علاقمندان و افراد مصمم که میخواهند چنین حزب و سیاست و مبارزه ای را به واقعیت تبدیل کنند، درخواست میکنیم به انتظار خاتمه دهند و به این تلاش تاریخی و مسئولانه ملحق شوند. ما بی صبرانه منتظر تماس شما هستیم، تا مشترکا این ابزار حیاتی مبارزه طبقاتی را سازمان دهیم و به جنگ بورژوازی و جمهوری اسلامی برویم.

هر رفیقی که به این هدف و به کلیات گفته شده اعتقاد دارد و با چنین مبارزه و افق و حزبی توافق دارد با ما تماس بگیرد تا این مسیر را مشترکا دنبال کنیم و به سر انجام برسانیم.

رفقای گرمی، کارگران، جوانان رزمنده و سوسیالیست! با این حرکت انقلابی همراه شوید، با ما تماس بگیرید!

همه با هم ، پیش به سوی ایجاد

لازم آید تعدادی از این رفقا را حضورا و حتی بدور از فضای نت و مجازی ملاقات نمود یقین دارم این تلاش بی ثمر نخواهد بود . هم اکنون طیف گسترده ای از این رفقای مجرب و با سواد موجودند . باید آنها را صدا زد ، باید آنها را در آغوش گرفت باید بنا به ضرورتهای امروز جنبش کمونیسم کارگری دست همدلی و یاری و رفقات به سوی همه رفقای عزیز ی که هنوز افقشان سوسیالیسم و عزمشان بر یابی حزب رزمنده کمونیستی و کارگریست دراز نمود . حتی اگر درخواست و رجوع ما از جانب تعدادی از رفقا به هر دلیلی رد شود . اما باید تاکید داشت که حرکت و حرکت و تحرک بیشتر مهمتر است .

کامران پایدار

9/12/95

فراخوان: کارگران، کمونیستها و مبارزین راه آزادی و سوسیالیسم!

ضرورت ایجاد یک حزب سیاسی، کمونیستی، کارگری، فعال و ملتینت، و از نظر شیوه رهبری و سازمانی کاملا مدرن و کمونیستی و به دور از سنتهای شرقی و سکتی با مناسبات برابر و یکسان میان اعضا نیاز حیاتی جنبش ما شده است.

حزبی مربوط به مبارزه طبقاتی و تلاش و اقدام عملی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای آزاد و برابر ، سرشار از خوشبختی، رفاه، امنیت و برقراری سوسیالیسم!.

زنده باد حزب کمونیستی!

بیانیه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان در رابطه با دستمزد سال ۹۶

کارگران، مردم شریف ایران! تحركات مربوط به تعیین دستمزد کارگران برای سال ۹۶ از چند روز پیش به این سو به جریان افتاده است. مقامات دولتی، تشکلهای کارفرمایی، اطاق بازرگانی و تشکل های اسما کارگری از شورای اسلامی کار که بی ربط ترین تشکل به طبقه کارگر می باشد تا خانه کارگر و غیره و غیره همگی به این بحث وارد شده اند. این اجماع ضد کارگری در یک سمفونی گوش خراش در صدد است با دست آویز قرار دادن " شرایط نابسامان اقتصادی " و با تکیه بر بودجه ریاضتی دولت، امسال هم مانند سالهای گذشته دستمزد کارگران را چندین مرتبه زیر خط فقر تعیین کند. برای رسیدن به این مهم و آماده نمودن ذهنیت کارگران و خانواده های آنان و برای تحمیل یک دستمزد غیر واقع؛ دولت چندی پیش حقوق کارکنان خود را برای سال ۹۶ حدود ۱۰ درصد افزایش، اعلام نمود. همچنین محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت در نشست خبری اخیرش درباره حداقل دستمزد گفته است "دولت خود را مقید به افزایش دستمزدها بر اساس نرخ تورم می داند" چنین اظهار نظرهایی در شرایطی صورت می پذیرد که مرکز آمار ایران نرخ تورم بهمن ۶.۸ درصد اعلام کرد. چنین نرخ از تورم با پرواز ناگهانی قیمت اقلام و / ماه را با یک دهم درصد کاهش نسبت به ماه گذشته کالاهای ضروری خانوارهای کارگری در آستانه سال نو به صورت سرسام آور، در حالی است که دستمزد ماهیانه کارگران جوابگوی گذران تنها چند روز از ماه را دارد. علاوه بر آن دولت با اعمال مالیات بر ارزش افزوده

بر روی کلیه کالاهای مصرفی، عملاً درصدی از همان دستمزدهای زیر خط فقرمان را به جیب مبارک سرازیر می کند. دیگر ناهنجاری های اجتماعی ناشی از بیکاری، اخراج سازی، عدم پرداخت دستمزدها، عدم امنیت شغلی و... هم پیشکش.

در این شرایط اسفناک اجتماعی که زندگی اکثریت قریب به اتفاق کارگران تحت تاثیرات منفی آن قرار دارد، ما کارگران خباز به دلیل عدم افزایش دو سال و نیم دستمزدمان، بسی بی حقوق تر از هم طبقه ای های خود زندگی مشقت باری را گذرانیدم. بطوری که دستمزد ما کارگران خباز طی حدود شش سال گذشته تنها دو بار و آن هم بنا به عرفی غیر قانونی، همزمان با افزایش قیمت آرد و نان؛ افزایش پیدا کرده است. به همین خاطر ما کارگران خباز بار دیگر منوط کردن افزایش دستمزدها به افزایش نرخ نان را غیر قانونی دانسته و ضمن آنکه خواستار عدم افزایش قیمت ضروری ترین کالای سفره کارگران یعنی نان می باشیم، می خواهیم دستمزدهایمان در اولین روز فروردین هر سال همزمان با افزایش دستمزد دیگر کارگران، افزایش پیدا کند.

کارگران!

همانگونه که همگان می دانیم هر سال دولت و کارفرمایان بسته به اوضاع و احوال خودشان دستمزدها را تعیین می نمایند نه بر اساس قدرت طبقه کارگر، چون اساسی ترین فاکتوری که در تحمیل مزدی برابر با بالاترین استانداردهای امروزین بشر نقش موثری ایفا میکند، همانا سازمانیابی طبقاتی کارگران به صورت مستقل از دولت و کارفرما در سطحی سراسری است که متأسفانه غایب است، نه در تعیین تکلیف شورای عالی کار یا هر سازمان و تشکل دیگری... ما کارگران شاغل در خبازی های سنندج و مریوان سازمانیابی طبقاتی کارگران را

امری ضروری دانسته که باید برای تحقق آن گام های مستحکمی برداریم تا از موانع پیش رو، از برخوردهای انحصارطلبانه گرفته تا نگاه های فرقه ای و گرایشات خرده بورژوازی و... عبور کنیم. ما ضمن حمایت از خواست و مطالبات همه کارگران، معلمان، پرستاران و... خود را در کنار آنان می بینیم و با رد سیاست سه جانبه گرایی در تعیین دستمزد کارگران، خواهان افزایش دستمزدهای سال ۹۶، طبق نرخ تورم و سبب معیشتی هستیم که حقوق ۲۴ میلیون تومانی مدیران کشور بر اساس آن به تصویب رسیده است.

انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه
انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد
اسفند ماه ۱۳۹۵



بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون حداقل مزد سال آینده:

حداقل مزد ماهیانه ۹۳۰ هزار تومانی لکه ننگی است بر دامن دولت و نهادهای دست ساز کارگری

پس از چند ماه خیمه شب بازی و همکاری نهادهای ضد کارگری با دولت و کارفرمایان برای تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر به طبقه کارگر ایران، صبح امروز حداقل مزد ۹۳۰ هزار تومانی به امضای طرفین رسید و یکبار دیگر سالی پر از رنج و مشقت برای میلیونها خانواده کارگری رقم خورد.

تعیین چنین مزد خفت باری از سوی شورای عالی کار و امضای آن توسط نماینده های دست ساز کارگری چیزی

بیانیه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان در رابطه با دستمزد سال ۹۶

نیود که بر ما کارگران پوشیده باشد. چرا که دهه هاست با بکارگیری چند ماشین امضا به نام نماینده کارگر به جای نماینده های واقعی ما کارگران در نهادی به نام شورای عالی کار، چنین وضعیتی جاری است و سال به سال فقر و فلاکتی روز افزون بر میلیونها خانواده کارگری تحمیل می شود.

با این حال امسال، نهادهای ضد کارگری همچون کانون عالی شوراهای اسلامی و دیگر نهادهای دست ساز، تحت فشار جنبش کارگری ایران، چهره های کمتر شناخته شده ای را به معرکه مسائل کارگری و تعیین حداقل مزد وارد کردند و آنان با اعلام سبد هزینه دو میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تومانی و تبلیغات ریاکارانه بر روی آن، دست آخر با گذاشتن امضایشان بر پای حداقل مزد 930 هزار تومانی، چشم در چشم میلیونها خانواده کارگری به آنان اعلام کردند فقر و گرسنگی بی پایان، تنها سهم 50 میلیون نفر انسان در این مملکت از زندگی است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور هیچکس به اندازه خود ما کارگران نمی داند که حداقل مزد 930 هزار تومانی یعنی چه؟ تعیین چنین مزدی یعنی له شدن و لگد مال شدن شان و منزلت ما کارگران، یعنی محروم شدن بیش از پیش فرزندان خردسال ما از تحصیل و رانده شدن صدها هزار کودک به خیابانها برای شیشه پاک کنی و دستفروشی و تکدی گری، یعنی خودکشی بیشتر و بیشتر ما کارگران بدلیل درماندگی از گذران زندگی، یعنی طولانی تر شدن صف کلیه فروشی، یعنی گسترش پدیده گور خوابی و کارتن خوابی، یعنی فروپاشی بیش از

پیش خانواده های ما و از دست رفتن دختران و پسران جوان مان و تباه شدن زندگی آنان، یعنی مرگ از گرسنگی و تن فروشی گسترده تر زنان و یعنی نابودی آخرین ذره های انسانیت.

از طرف دیگر هیچکس نیز به اندازه خود ما نمی تواند مبشر پایان دادن به این همه فلاکت و بدبختی باشد. همه ما بهتر از هر کسی می دانیم که تنها چیزی که در این مملکت وجود ندارد احساس مسئولیت دولتها در قبال زندگی و هستی ماست. این را ما هر روزه با پوست و گوشت خود در مراکز تولیدی و صنعتی لمس می کنیم و می دانیم که حتی آنجا که همین دستمزد چندین برابر زیر خط فقر ما را نیز نمی پردازند و ما بناچار دست به اعتراض می زنیم از استاندار و شورای تامین و نیروی انتظامی و گارد ویژه همگی در مقابل ما صف می کشند و با تهدید و ارباب از ما می خواهند تا صدایمان در نیاید. این آن چیزی است که از برنامه و قانون برای اداره زندگی و بودن و زیستن ما کارگران در این مملکت وجود دارد.

به همین دلیل ساده و با توجه به تعیین حداقل مزد 930 هزار تومانی به مثابه تحمیل قطعی فقر و گرسنگی روز افزون تر بر ما کارگران و خانواده هایمان در سال 1396، دیگر نباید به امید چیزی جز اعتراض و نیروی متحد خودمان برای خلاصی از وضعیت مشقت بار موجود بنشینیم. باید در جای جای کشور و به عنوان امری بسیار حیاتی، دستهایمان را در دست همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهائی از فقر و فلاکت، نیروی به هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان و معلمان، گامهای تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مصائب موجود برداریم. این یگانه راهی است که در سال آینده پیش روی ما کارگران قرار دارد و لاغیر.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
25 اسفند 95

موازین انتشار نشریه
سوسیالیسم امروز:

سردبیر در انتشار، رد و ویرایش
مقالات آزاد است!

مقالاتی در این نشریه منتشر
میشود که تنها برای این نشریه
فرستاده شود.

مسئولیت مقالات با نویسندگان آن
است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12
میباشد.

مقالات خود را به آدرس ایمیل
زیر بفرستید:

rz.danesh@gmail.com



برای تماس با هیئت هماهنگ
کننده تدارک کنفرانس موسس
حزب با آدرس ایمیل و شماره
تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com

00447740076631

0046762349683

زنده باد حزب کمونیستی!